



## Study and Analysis of the Story "Kiss Lovly God's on the Moon" by Mustafa Mastour, Considering the Theory of Intertextuality

Hossein Hassanrezaei<sup>1</sup>  and Abdollah Valipour<sup>2</sup> 

1. Corresponding author, Department of Persian Language and Literature Education, Farhangian University, Tehran, Iran. E-mail: [hossein.hassanrezaei@cfu.ac.ir](mailto:hossein.hassanrezaei@cfu.ac.ir)
2. Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran. E-mail: [a.valipour@pnu.ac.ir](mailto:a.valipour@pnu.ac.ir)

### Article Info

### ABSTRACT

**Article type:**  
Research Article

**Article history:**  
Received:  
1 April 2025

Received in revised form:  
15 July 2025

Accepted:  
16 August 2025

Available online:  
20 September 2025

Intertextuality is one of the most important approaches and literary theories that researchers applied to read and explain various artworks. Although this theory has been proposed for several decades, it is still valid and applicable to humanities researchers. Today, with the advent of the Internet and the availability of cyberspace, the importance of intertextuality has become increasingly apparent. In the story "Kiss lovly God's on the Moon", by Mustafa Mastour, various intertextual components can be identified. Therefore, the present article studied intertextuality in the story on the moon. To reach the purpose, the article has two general parts: 1) The first part is an introduction to the theoretical topics such as definition, types, and some important works in the field of intertextuality 2) The second part of the article studied and implemented seven types of intertextuality, such as the intertextuality of production and reception, explicit and implicit, etc., which applied to the story of "on the moon". To do this research, the descriptive-analytical method was used. Findings indicated that intertextual theory can be a valid instrument for analyzing and reading the story of "Kiss lovly God's on the Moon" because, by intertextual reading, the implications, the meanings and relationships of this story were revealed, which is not possible with other readings.

**Keywords:**

Kiss lovly God's on the Moon,  
story,  
Mustafa Mastour,  
intertextuality

**Cite this article:** Hassanrezaei, H. & Valipour, A. (2025). Study and analysis of the story "Kiss Lovly God's on the Moon" by Mustafa Mastour, considering the theory of intertextuality. *Persian Literature*, Vol. 15, No. 1, Serial No. 35, 161-184. <https://doi.org/10.22059/jpl.2026.403243.2340>



© Author(s) retain the copyright.

**Publisher:** University of Tehran Press.

**DOI:** <https://doi.org/10.22059/jpl.2026.403243.2340>



## بررسی و تحلیل داستان «روی ماه خداوند را ببوس» اثر مصطفی مستور با توجه به نظریه بینامتنیت

حسین حسن‌رضایی<sup>۱</sup> و عبدالله ولی‌پور<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه: [hossein.hassanrezaei@cfu.ac.ir](mailto:hossein.hassanrezaei@cfu.ac.ir)

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. رایانامه: [a.valipour@pnu.ac.ir](mailto:a.valipour@pnu.ac.ir)

### چکیده

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

کلیدواژه‌ها:

«روی ماه خداوند را ببوس»

داستان،

مصطفی مستور،

بینامتنیت.

بینامتنیت از مهمترین رویکردها و نظریه‌های ادبی است که محققان از آن برای خوانش و تبیین آثار هنری مختلف بهره برده‌اند. با آنکه چندین دهه از عمر این نظریه می‌گذرد، همچنان نزد محققان علوم انسانی معتبر است و کاربرد دارد. امروزه به سبب گسترش اینترنت و در دسترس بودن فضای مجازی، اهمیت بینامتنیت بیش از پیش آشکار گشته است. در داستان «روی ماه خداوند را ببوس» اثر مصطفی مستور نیز مولفه‌های بینامتنی گوناگونی می‌توان تشخیص داد. با توجه به موارد بالا، مقاله حاضر بینامتنیت را در داستان روی ماه بررسی کرده است. برای بررسی این موضوع، مقاله به دو قسمت کلی تقسیم می‌شود: (۱) در قسمت مقدمه، که شامل مباحث نظری تحقیق است، مسائلی مانند تعریف، انواع و برخی آثار مهم در زمینه بینامتنیت بررسی شده است. (۲) قسمت دوم مقاله به بررسی و پیاده‌سازی هفت نوع بینامتنیت، همچون بینامتنیت تولید و دریافت، صریح و غیرصریح و... که قابل انطباق بر داستان روی ماه‌اند، پرداخته است. مقاله حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده است، در پایان نتیجه می‌گیرد که نظریه بینامتنیت، می‌تواند دستمایه‌ای معتبر برای تحلیل و خوانش داستان «روی ماه خداوند را ببوس» باشد، زیرا با خوانش بینامتنی، دلالت‌ها، معانی و روابطی از این داستان آشکار می‌شود، که با خوانش‌های دیگر ممکن نیست.

**استناد:** حسن‌رضایی، حسین و ولی‌پور، عبدالله (۱۴۰۴). بررسی و تحلیل داستان «روی ماه خداوند را ببوس» اثر مصطفی مستور با توجه به نظریه بینامتنیت. *ادب*

*فارسی*، دوره ۱۵، شماره ۱، شماره پیاپی ۳۵، ۱۶۱-۱۸۴. <https://doi.org/10.22059/jpl.2026.403243.2340>

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.



## ۱. مقدمه

بینامتنیت، یا به تعبیری «دانش تبیین ارتباطات و کشف بزرگ قرن در عرصهٔ ادب و هنر» (عظیمی یانچشمه و میرباقری فرد، ۱۳۹۶: ۲۱) یکی از مهمترین نظریه‌های ادبی است که در سال ۱۹۶۰ به وسیلهٔ ژولیا کریستوا (Julia kristeva) با تأثیر از نظرات سوسور، باختین و فرمالیست‌های روس نضج یافت. با این که چندین دهه از عمر آن می‌گذرد، همچنان یکی از پرکاربردترین نظریه‌ها در خوانش آثار هنری است. آنگونه که اکثر محققان اشاره کرده‌اند، از ابتدای تاریخ تا کنون بینامتنیت وجود داشته و به گفتهٔ باختین: «جز واژگان حضرت آدم هیچ واژهٔ بکری وجود ندارد»، زیرا هنرمند «در جهانی از واژه‌های دیگران زندگی می‌کند» (ملاابراهیمی و رحیمی، ۱۳۹۶: ۱۹۲). بنابراین هر انسانی که از زبان استفاده می‌کند، خواه‌ناخواه از بینامتنیت متأثر خواهد بود. با این حال، در نیمهٔ دوم قرن بیستم بود که بینامتنیت به عنوان نظریهٔ ادبی ظهور یافت. نظریهٔ بینامتنیت آن چنان جذاب بوده که توانسته نظر اکثر اندیشمندان معاصر را به خود جلب کند. با نگاهی به نمایهٔ موضوعی کتاب ساختار و تأویل متن بابک احمدی ذیل «بینامتنی»، علاوه بر نظریه‌پردازان معروف بینامتنیت (باختین، بارت، کریستوا، ژنت) می‌توان مکتب‌های مختلفی مانند فرمالیست‌ها (شکلوفسکی، تینیانوف یا کوبسن) و اندیشمندانی همچون فوکو، لوی استروس، دریدا، بلوم، گادامر، هارتمن و... را مشاهده کرد که نظریهٔ بینامتنیت توجه آنها را به خود جلب کرده‌است و آنها در برخی تحلیل‌های خود این نظریه را به کار بسته‌اند (احمدی، ۱۳۸۰: ۷۵۴). در ایران نیز بعد از ترجمهٔ کتاب بینامتنیت از گراهام آلن (۱۳۸۰) و نیز ترجمه و تالیف مقالاتی در مورد بینامتنیت به وسیلهٔ نامور مطلق و دیگران توجه فراوانی به بینامتنیت شده است.

بینامتنیت در اصل شکل تحول یافته نظریهٔ چندآوایی یا پلی فونی است که میخائیل باختین (Mikhail Bkhtin) آن را از هنر موسیقی عاریت گرفته است. «پلی فونی در نظر باختین آشوب در متن نیست، بلکه ارکستریزه کردن صداها، متفاوت و متناقض است» (نجومیان، ۱۳۹۰: ۳۲ به نقل از آلبوغبیش، ۱۳۹۵: ۳۶). کریستوا نیز به تصریح خودش «اندیشهٔ باختین دربارهٔ وجود صداها، متعدد در درون یک متن را با ایدهٔ چند متن در درون یک متن جایگزین» می‌کند و نظریهٔ بینامتنیت را ابداع می‌نماید (همان‌جا). از نظر کریستوا هر متنی «جایگشت متون و بینامتنیتی در فضای یک متن مفروض» است که در آن «گفته‌های متعدد، برگرفته از دیگر متون، با هم مصادف شده و یکدیگر را خنثا می‌کنند» (آلن، ۱۳۹۷: ۵۸). بینامتنیت یا به تعبیر کریستوا، جایگشت (همان: ۸۲) یعنی «ارتباط شبکه‌ای متن‌ها با یکدیگر» چنان که گویی «هر متن همانند موزاییکی از نقل قول‌ها ایجاد می‌شود» (نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۱۰۸). بنابراین از منظر بینامتنی هر متنی همانند حلقهٔ زنجیری است که با حلقه‌های پیش و پس از خود در ارتباط است (فرزاد، ۱۳۸۳: ۲۴۶). از نظر بارت: «یک متن رشته کلماتی عرضه‌دارنده یک معنای «خدا انگارانه»ی واحد... نبوده، بل فضائی چندبعدی است که در آن طیف متنوعی از نوشته‌ها، بی‌آنکه هیچ یک اصیل باشند، در هم آمیخته و با هم مصادف می‌شوند. متن بافته‌ای از نقل قول‌های برگرفته از مراکز بی‌شمار فرهنگ است» (آلن، ۱۳۹۷: ۲۸). بنابراین بینامتنیت به معنای تأثیر متون<sup>۱</sup> معاصر یا پیشین بر یک اثر است، تأثیری که صرفاً به نقل یا تقلید محدود نمی‌شود، بلکه این نقل و تقلید با خلاقیت و نبوغ همراه است. مانند بارت که کتاب سیصد صفحه‌ای اس/زد خود را بر اساس داستان سی صفحه‌ای سارازین اثر بالزاک نوشته است (نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۱۶۸).

در مورد انواع بینامتنیت باید گفت که «امروزه ما با یک بینامتنیت سر و کار نداریم، بلکه با انبوهی از بینامتنیت‌ها... [همانند] بینامتنیت تولید و دریافت کریستوا و ریفاتر...، بینامتنیت احتمالی و حتمی ریفاتر...، داخلی و خارجی نجم...، ضعیف و قوی لوران ژنی...، مستقیم و غیرمستقیم جمعه و...» روبه‌رو هستیم (خواجeh‌ایم و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۵). پرداختن به همهٔ این نظرات موجب پراکندگی و تطویل مقاله خواهد شد. از این‌رو روشی ترکیبی انتخاب شد، یعنی از تقسیم‌بندی‌های مختلف در مورد بینامتنیت، از

۱. از نظر باختین متون هم شامل «متنهای معاصر و پیشین است و هم جامعه و تاریخ مربوط به نوشتار» (نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۱۰۷).

هفت نوع که قابل انطباق بر داستان روی ماه بود، استفاده شد: ۱) بینامتنیت تولید (تکوینی) ۲) بینامتنیت دریافت (خوانشی)، ۳) پیرامتنیت ژنتی ۴) بینامتنیت درون مولفی، ۵) بینامتنیت صریح (آشکار)، ۶) بینامتنیت غیرصریح (پنهان)، ۷) انواع دیگر بینامتنیت.

اگرچه برخی بینامتنیت را مفهومی می‌دانند که اغلب با پست‌مدرنیسم تداعی می‌شود (قبادی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۵) یا از آن به عنوان یکی از مهمترین ویژگی‌های متون پست‌مدرنیستی یاد می‌کنند (زمانی و تسلیمی، ۱۳۹۷: ۸) با این حال برخی نظریه‌پردازان بینامتنیت، همچون بارت معتقدند «می‌توان قدرت برآشوبنده امر بینامتنی را در آثار ظاهراً واقع‌گرای پیش نیز یافت» (آن، ۱۳۹۷: ۱۲۱). از سوی دیگر «چون هر متنی لاجرم در سطح زبان نگاشته و خوانده می‌شود [ناگزیر] تمام متون با یکدیگر اشتراک دارند» (رفایی، ۱۳۹۳: ۱۶۲) و تنها تفاوت در «میزان برگرفتنی» است (قبادی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۸). علاوه بر این، هر اثر ادبی را می‌توان بینامتنی محسوب کرد، چون هر اثر در ژانری خاص نوشته می‌شود و «ژانر مفهومی بینامتنی است. شعری که در ژانر غزل سروده شده باشد، از قواعد و قراردادهای سنت معینی که شاعر آن را به ارث برده تبعیت می‌کند» (مکاریک، ۱۳۹۳: ذیل بینامتنیت).

با توجه به دلایل صدرالذکر برخی محققان از بینامتنیت برای تبیین و خوانش داستان‌های رئالیستی و کلاسیک نیز بهره برده‌اند. داستان روی ماه نیز با این که اثری رئالیستی به حساب می‌آید، اما مصداق‌ها و عناصر بینامتنی زیادی در آن می‌توان مشاهده نمود. مستور را نیز اگرچه نمی‌توان، حداقل با توجه به آثار اولیه‌اش و از جمله همین داستان، نویسنده‌ای مدرن و یا پست‌مدرن به حساب آورد، اما نمودهای بینامتنی گوناگونی در آثار وی می‌توان سراغ گرفت، از جمله: ۱) تصریح وی بر وجود روابط بینامتنی در داستان-هایش ۲) تصریح مستور در مصاحبه‌هایش به مطالعه آثار مختلف فلسفی، شعر و... از دوران نوجوانی ۳) زمینه‌های کاری گوناگونی که مستور انجام داده (مانند داستان، نمایشنامه (دویدن در میدان تاریک مین)، عکس‌نگاری (پرسه در حوالی زندگی)، سینما (سرشت و سرنوشت: سینمای کریستف کیشلوفسکی) شعر (و دست‌های بوی نور می‌دهند)، ترجمه (فاصله و داستان‌های دیگر از ریموند کارور) و در مصاحبه‌ها و داستان‌هایش، اطلاعات مربوط به این زمینه‌ها را بروز داده است. ۴) بینامتنی درون مولفی. مقاله حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده است، ادعا ندارد که همه بینامتنیت‌های داستان مستور را آشکار ساخته، چنین امری در بوطیقای بینامتنیت ناممکن است، اما با خوانش بینامتنی داستان روی ماه دلالت‌ها، عناصر و معانی‌ای از آن ظاهر می‌گردد، که با دیگر خوانش‌ها چنین ظهوری رخ نمی‌دهد.

### ۱-۱. پیشینه تحقیق

با جست‌وجویی که در منابع مختلف انجام شد، اثر یا مقاله‌ای که به بررسی بینامتنیت در داستان «روی ماه خداوند را ببوس» پرداخته باشد، ملاحظه نشد. با این وجود مقالات ارزشمند در مورد رمان روی ماه خداوند را ببوس نوشته شده که در ذیل به صورت مختصر به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. گرجی (۱۳۸۶) در مقاله «نقد تطبیقی و بینامتنی رمان ژان باروا و روی ماه خداوند را ببوس» با تکیه به رویکرد معرفت‌شناسانه، تم مشترک این دو داستان، یعنی نگاه انتقادی به سرنوشت تراژیک انسان معاصر را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. حسن‌پور و مطلبی (۱۳۸۹) در مقاله «تحلیل روایت رمان روی ماه خداوند را ببوس با تاکید بر مسأله معنا» پس از معرفی شخصیت‌های رمان و نسبت آنها با مسأله معنا، سنخ‌بندی‌ای از این شخصیت‌ها ارائه می‌کنند و سپس روند رخدادهای رمان را بر اساس مدل «تودورف» مورد بحث قرار می‌دهند. سلیمی کوچی (۱۳۹۰) در مقاله «تناظر شخصیت‌پردازی و همسانی درونمایه و پیرنگ در روی ماه خداوند را ببوس و ژان باروا»، با عنایت به درونمایه‌های مرتبط با حوزه یقین و اعتقاد و پرسش‌های هستی‌شناسانه‌ای که به طور کلی جهان‌بینی آدمیان را رقم می‌زنند، به بررسی تطبیقی دو رمان روی ماه خداوند را ببوس از مصطفی مستور و ژان باروا از روزه مارتن دو گار می‌پردازد. رضی و حاجتی (۱۳۹۰) نیز در مقاله «رمزگشایی از رفتارهای غیرکلامی در داستان روی ماه خداوند را ببوس» با نگاهی میان‌رشته‌ای و با استفاده از نظریه‌های علوم ارتباطات، رفتارهای غیرکلامی بازتاب یافته در داستان روی ماه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند و از نشانه‌های غیرکلامی مثل ظاهر فیزیکی، اشارات، حرکات، رفتارهای چهره‌ای و رفتارآوایی شخصیت‌های داستان و همچنین از محیط و فضا و مصنوعات مانند لباس، خوراک، سیگار و ... که

ارتباطات را در روایت داستان شکل می دهند، رمزگشایی می کنند. شریفی ولدانی و میری اصل (۱۳۹۱) نیز در مقاله «بوسه بر روی خداوند» (بررسی تقابل های دوگانه در مان روی ماه خداوند را بیوس) با رویکرد ساختارگرایانه و بر مبنای تقابل های دوگانه، داستان روی ماه را تحلیل کرده اند. نویسندگان در سطح رساخت مان به بررسی تقابل شخصیت ها، توصیف ها و حکایت ها پرداخته و در سطح ژرف ساخت آن نیز به بیان تقابل ها در مضمون و محتوای اثر توجه کرده اند. بزرگ بیگدلی، طاهری و اسفندیاری (۱۳۹۱) در مقاله «تحلیل انسان آرمانی در مان روی ماه خداوند را بیوس» با رویکرد گفتمان دینی به بررسی انسان آرمانی در مان روی ماه پرداخته و عناصر اصلی آن را تبیین کرده اند. حاجی آقابابایی و باستان (۱۳۹۸) نیز در مقاله «بررسی دغدغه های وجودی در داستان های مصطفی مستور» داستان های مستور و از جمله روی ماه را از منظر چندصدایی و حضور موضوعاتی نظیر عدم قطعیت در باورها و اعتقادات، اضطراب و تنهایی آدمیان، ترس از مرگ، معناداری و بی معنایی زندگی و ... مورد تحلیل قرار می دهند. و فاضلی (۱۴۰۱) هم در مقاله «تحلیل و مقایسه معادل یابی عناصر فرهنگی مان روی ماه خداوند را بیوس در دو ترجمه عربی با تکیه بر رویکرد ایویر» عملکرد دو مترجم مان روی ماه خداوند را بیوس در انتقال عناصر فرهنگی با تکیه بر رویکردهای هفتگانه «ایویر» مورد بررسی قرار گرفته است.

قبل از شروع بحث ذکر دو نکته لازم است: نخست، در مقاله برای پرهیز از تکرار و تطویل، به جای عنوان «روی ماه خداوند را بیوس»، ترکیب «روی ماه» به کار رفته است؛ دوم، همپوشانی برخی بینامتنیت ها با یکدیگر است. به عنوان نمونه در داستان روی ماه آشکارا به مولفه های انقلاب اسلامی اشاره شده است. این مولفه ها هم جزو بینامتنیت آشکار به حساب می آیند، زیرا در متن به آنها تصریح شده و هم جزو بینامتنیت تکوینی است، زیرا در خلق داستان روی ماه موثر بوده است. در متن مقاله سعی شده است تا طبقه بندی بینامتنیت ها با توجه به اهمیت و بسامد آن ها باشد. به عنوان مثال چون گفتمان انقلاب اسلامی تاثیر زیادی در خلق داستان روی ماه داشته، در قسمت بینامتنیت تکوینی مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه، ابتدا خلاصه داستان را می آوریم و سپس با توجه به ترتیب اهمیت و بسامد، به ذکر و بررسی هفت بینامتنیت تقسیم بندی شده در مقاله می پردازیم.

## ۲. خلاصه داستان

یونس، راوی داستان، دانشجوی دکتری پژوهشگری علوم اجتماعی است که تنها سه ماه فرصت دارد تا از رساله دکتری خود که تحلیل علت خودکشی دکتر محسن پارسا است دفاع نماید. محسن پارسا، استاد برجسته فیزیک در ایران است. وی آخرین روز زندگیش، بعد از دانشگاه برای دیدن فیلم آگراندیسمان به سینما می رود. سپس به بالای ساختمانی بلند رفته و خودکشی می نماید. یونس که قبلا فردی خداباور بوده است، می کوشد تا دلایل اجتماعی خودکشی دکتر پارسا را واکاوی نماید. او در حین انجام تحقیقاتش، دچار بحران عمیق فلسفی و هستی شناسانه بر سر وجود یا عدم وجود خدا می شود و سوالات زیادی در این باب برایش پیش می آید. این شک و سرگستگی درونی یونس، بر رابطه او با نامزدش سایه که دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات و فردی معتقد و مذهبی است، تاثیر مخربی می گذارد. بازگشت مهرداد، دوست قدیمی یونس، از آمریکا که او نیز همچون وی در وجود خدا تردید دارد، بر شک و بحران روحی یونس می افزاید. سرانجام کسانی همچون سایه و علیرضا، دوست عارف مسلک یونس، سعی می کنند او را از این بحران روحی نجات دهند.

## ۳. بینامتنیت تولید (تکوینی)

بینامتنیت از همان آغاز مطابق نظریات کریستوا و بارت به دو شاخه بزرگ تقسیم شد: بارت بر بینامتنیت خوانشی و کریستوا بر بینامتنیت تولید تاکید داشت (نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۱۹۰). آنگونه که ریفاتر می گوید: «بینامتنیت تولیدی از قواعد زمان خطی... تبعیت می کند، درحالی که بینامتنیت خوانشی زمان خاص خود را دارد، زمانی که غالبا غیرخطی... است» (همان: ۲۳۸).

کریستوا با عجین ساختن مکالمه‌گرایی باختین با نشانه‌شناسی نوین خود و تاکید بر سرشت اجتماعی زبان، برای کلام ادبی دو ساحت کلی قائل می‌شود: ساحت افقی و ساحت عمودی. در ساحت افقی «کلام در متن هم متعلق به فاعل نوییاست و هم متعلق به مخاطب» و در ساحت عمودی «کلام در متن به سوی یک شاکله ادبی پیشین یا هم‌زمان جهت‌گیری می‌کند» (آلن، ۱۳۹۷: ۶۲). از نظر کریستوا متون از متن‌های فرهنگی و اجتماعی ساخته می‌شوند و منظور از متن فرهنگی و اجتماعی، یعنی «همه آن گفتمان‌ها و شیوه‌های سخن‌گفتنی که به شکل نهادینه، ساختارها و نظام‌های سازنده فرهنگ را ایجاد می‌کنند. از این نظر متن، یک موضوع منفرد و مجرد نبوده، بلکه تدوینی از متنیت فرهنگی است» (همان: ۵۸). بدین‌سان بینامتنیت معطوف به پیدایش یک متن از دل «متن اجتماعی» و نیز موجودیت مستمر آن در جامعه و تاریخ است» (همان: ۵۹). به همین سبب است که کریستوا متن را حامل معنایی مضاعف می‌داند: «معنایی در خود متن و معنایی در آنچه او "متن تاریخی و اجتماعی" می‌خواند» (همان: ۶۰). بنابراین چیزی به نام معنای واحد، «حقیقت بی‌چون و چرا» و «اذهان اصیل» وجود ندارد (همان: ۵۸ و ۶۸)، بلکه عوامل مختلف سیاسی و اجتماعی در خلق یک اثر و در نتیجه ایجاد معنا در آن موثر هستند. مستور علاوه بر اینکه از کودکی و نوجوانی اهل مطالعه بوده، در زمانه‌ای زندگی کرده که حامل حوادث و گفتمان‌های مختلفی همچون انقلاب اسلامی ۵۷ و... بوده است. حضور و تاثیر این عوامل گوناگون را در خلق داستان‌های مستور به وضوح می‌توان مشاهده نمود که در ادامه با توجه به میزان اهمیت به مهمترین بینامتنیت‌های تکوینی در خلق داستان روی ماه می‌پردازیم.

### ۳-۱. گفتمان انقلاب اسلامی

از مباحث مهمی که در بینامتنیت مطرح است و فرکلاف (Fairclogh) در کتاب معروف خود تحلیل گفتمان انتقادی به آن اشاره کرده، رابطه میان گفتمان و بینامتنیت است. به نظر فرکلاف «متن‌ها بخشی از و به طور درست‌تر، تجلی گفتمان‌ها تلقی می‌گردند. در نتیجه حضور یک متن، یعنی حضور یک گفتمان و بینامتنیت همواره بینامتنیت را نیز با خود به همراه دارد» (نامور مطلق، ۱۳۹۵: ۲۵۶). انقلاب اسلامی در دهه شصت و هفتاد با تشکیل مراکز، نهادها و مجلات مختلف ادبی و فرهنگی گوناگون مانند حوزه هنری، مجله ادبیات داستانی، مرکز فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و... نویسندگان و شاعران را به تولید آثار همسو و متناسب با گفتمان خود تشویق نمود (سعادت، ۱۳۸۴، ج ۱: ذیل ادبیات داستانی). تاثیر این مراکز و مجلات تا بدان حد بود که اکثر نویسندگان، از مؤلفه‌های انقلاب اسلامی، تاثیر پذیرفتند. مؤلفه‌هایی مانند مسائل جبهه و جنگ، بازگشت به خویشتن، غرب‌ستیزی، تبلیغ نموده‌های مذهبی مخصوصاً مذهب تشیع همچون عاشورا و... از مهمترین مؤلفه‌های انقلاب اسلامی است که در سراسر داستان روی ماه حضور برجسته‌ای دارند (نک: مستور، ۱۳۹۷: ۳۳، ۵، ۴۹، ۷۸، ۸۷، ۹۷، ۱۰۴، ۱۰۵). به سبب وجود پرنرنگ این مؤلفه‌ها، برخی کفه محتوا را نسبت به تکنیک در داستان روی ماه سنگین‌تر یافته و این داستان را به صفت‌هایی مانند «داستان مذهبی و فلسفی» (حسن پور و مطلبی، ۱۳۸۹: ۱۴۶)، «رمان اندیشه» (شاکری، ۱۳۸۱: ۵۹)، «رمان عرفانی» (حسن‌زاده نیری و اسلامی، ۱۳۹۵: ۱۰۲) موصوف کرده یا حتی فراتر از این مستور را نویسنده‌ای «ارزشی و متعهد» به حساب آورده‌اند. (نک: نعیمی، ۱۳۸۵: ۲۱ و مستور، ۱۳۹۷: ۲۲). با توجه به مطالب بالا، داستان روی ماه با تمام داستان‌های فلسفی، اندیشه، مذهبی، متعهد، ادبیات انقلاب اسلامی روابط بینامتنی پیدا می‌کند.

### ۳-۲. توجه به زندگی و احوالات شخصی مستور

مستور در چند مصاحبه، به مطالعات و تجارب خود در دوران کودکی و نوجوانی اشاره کرده و در آثار خود از آن‌ها بهره برده است. حضور این اطلاعات گوناگون در داستان‌های مستور گاه تا بدان حد می‌رسد که خواننده برای درک کارکرد، مفهوم یا دلالت برخی از اصطلاحات و نام‌ها باید به منابع مختلف مراجعه کند یا به تعبیر بارت که در مورد کتاب اس/زد می‌گوید: «اس/زد یک متن است که هنگامی که سرمان را بالا می‌گیریم می‌نویسیم» (نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۱۷۱)، در خوانش داستان روی ماه نیز برای درک

ارتباط برخی نام‌ها (مانند امیل دورکیم، آگران‌دیسمان، راک اند رول) با داستان باید بارها سرمان را بالا بگیریم. مستور به تصریح خودش از سن ده-دوازده سالگی و «از وقتی بر قوای فکری» خودش مسلط شده، شروع به کتاب‌خوانی کرده است (شاکری، ۱۳۸۵: ۴۲). کتاب‌خوانی مستور «با داستان‌هایی که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در اوایل دهه پنجاه در می‌آورد» آغاز می‌شود (مستور، ۱۳۸۹: ۳۳). از شانزده سالگی شروع به خواندن کتاب‌های فلسفی و زبان و ادبیات عرب می‌کند و «تا بیست سالگی فقط فلسفه و ادبیات عرب» و بعدها حافظ و سپهری می‌خواند (رفاهی، ۱۳۸۶: ۱۳). به سبب همین مطالعه‌هاست که مستور در داستان‌ها و مصاحبه‌های خود بارها و بارها به نویسندگان و شاعرانی مانند کارور، سالی‌نجر، کانت، شریعتی، حافظ، سپهری، فرخزاد و یا به عبارات انگلیسی و عربی ارجاع می‌دهد.

از دیگر مواردی که به تصریح مستور، نقش آن در تکوین داستان روی ماه مسلم می‌نماید، ماهنامه کیان، مخصوصاً شماره‌های دهه شصت و هفتاد آن است. مستور از دهه شصت به سبب گرایش گردانندگان مجله «کیهان فرهنگی»، که بعداً به «کیان» تغییر نام داد، به موضوعاتی چون «دین و روشنفکری» یعنی «همان موضوعات مورد دغدغه» او دوست داشته «در آن مجله چیزی منتشر» کند «تا سرانجام این اتفاق می‌افتد» (امیدی سرور، ۱۳۹۳). نگاهی به عناوین برخی مقالات مجله کیان، بیانگر ارتباط بینامتنی مطالب آن با برخی مسائل داستان روی ماه (مسائلی همچون وجود یا عدم وجود خداوند، مسئله معنا، «شر» در هستی و...) است: «سیر اندیشه دینی معاصر»، «شر و قدرت مطلق»، «وجود باری در تعقل انسانی»، «ثبات و تغییر در اندیشه دینی»، «عقل و آزادی»، «آشفستگی و بی‌معنایی»، «فلسفه دین»، «تبیین تجربه‌های دینی» (نک: آرشیو مجله کیان، سال ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱).

به عنوان مثال دیگر، مستور در چندین جا از مصاحبه‌هایش، شریعتی را ستوده و گفته: «بی‌گمان باید قرن‌ها بگذرد تا چون اوبی در این ملک طلوع کند» وی این ارادت را تا آنجا کشانده که آرزو کرده «کاش در دوران حیات شریعتی می‌زیستم تا در پوشیدن پالتویش به او کمک می‌کردم» (مستور، ۱۳۸۵: ۳۰ خرداد). به همین سبب در داستان‌هایش از جمله در داستان روی ماه علاوه بر این که از گفتمان آثار شریعتی مانند بازگشت به خویشتن (=اسلام)، بهره برده، «از لحاظ درونمایه، زاویه نگاه و حتی نوع نوشتار به شدت تحت تاثیر» شریعتی، به خصوص تحت تاثیر آثار ادبی او همچون «کویر، هبوط و گفتگوهای تنهایی» بوده (نعیمی، ۱۳۸۵: ۱۸) و نام دو اثر شریعتی، یعنی «از کجا آغاز کنم و چه باید کرد؟» (حق شنو، ۱۳۸۷: ۲۹ تیرماه) را با تغییر جزئی در داستان روی ماه ذکر کرده است: «من هنوز مثل سال‌های دبیرستان گرفتار سوال‌های کشنده چه باید کرد و از کجا شروع کنیم هستیم» (مستور، ۱۳۷۹: ۸۴).

مستور گاه در خلق برخی شخصیت‌های داستان‌هایش، از محیط پیرامون خویش متأثر بوده است: «داستان صوفیا برگرفته از اتفاقی است که در شهرمان رخ داده است» (رفاهی، ۱۳۸۶: ۱۵). یا: «من رمان «استخوان‌های خوک و دست‌های جذامی» را بعد از دیدن مجموعه فیلم‌های «ده فرمان» کیشلوفسکی نوشتم» (مستور، ۱۳۹۸: ۳۰ آبان). در مورد علیرضا نیز (از شخصیت‌های محوری داستان روی ماه) می‌گوید: «شخصیت علیرضا سایه‌ای است از یکی از دوستانم که هنوز هم با او رابطه دارم که فوق لیسانس مهندسی هسته‌ای دارد و سی جلد تفسیر قرآن را هم خوانده است» (اصلان‌پور، ۱۳۸۱: ۲۱). علاوه بر موارد بالا که با خلق داستان روی ماه مرتبط بوده‌اند، مستور تکوین داستان روی ماه را ناشی از تجارب شخصی می‌داند و می‌گوید: «سال ۷۳ تجربه دردناکی را درباره شک در وجود خداوند از سر گذراندم که ۹ ماه طول کشید» (مستور، ۱۳۸۵: ۲۰ خرداد). وی در جای دیگری خلق این داستان را حاصل آمیختگی «تجربه شخصی» با مطالعه کتاب‌های «عمدتاً فلسفی» که در «حوزه توحید و امثال آن که از نوجوانی» می‌خوانده، می‌داند و می‌گوید: «همین تردیدها و تشکیک‌هایی که در قصه هست به جان خودم هم افتاد... در آن مرحله دانسته‌های فلسفی هیچ کمکی نمی‌کردند. این درون‌مایه که در داستان هست که ما را ایمان نجات می‌دهد و نه خرد، از همان جاست» (اصلان-پور، ۱۳۸۱: ۱۸).

#### ۴. بینامتنیت خوانشی (دریافت)

بر خلاف کریستوا که بر بینامتنیت تکوینی تاکید داشت، کسانی مانند رولان بارت و ریفاتر بر خوانش و دریافت متن از سوی خواننده تاکید دارند. از نظر بارت: «من (خواننده) موضوعی نادان که در برابر متن قرار گرفته باشم نیستم. آن من که با متن رو به رو می‌شود، خود مجموعه‌ای است از متون دیگر. او کلی است از رمزگان بی‌شمار و گمشده که تبار آنها گمشده است» (احمدی، ۱۳۸۰: ۳۲۷). از نظر بارت سرشت بینامتنی اثر، خوانندگان را به «مناسبات متنی تازه‌یی» رهنمون می‌شود؛ از این رو عامل ایجاد معنای متعدد در متن نه مولف، بلکه خوانندگانند (آلن، همان: ۱۴-۱۵). با توجه به نظر بارت مبنی بر اهمیت خواننده در خوانش متن، «تاثیر نویسندگان پسین در خوانش متن‌های نویسندگان پیشین نزد مخاطب امکان‌پذیر می‌شود... [مثلاً] برخلاف روند تالیفی، در روند خوانشی، گاه یک نویسنده معاصر، پیش‌متن نویسنده‌ای باستانی می‌شود» با چنین نگرشی، بارت که خود از خوانندگان جدی پروست بوده، هر متن جدیدی، حتی متون کلاسیک و قبل از پروست را، از گذر و صافی متن پروست درک و دریافت می‌کرده است (نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۱۶۶). با توجه به چنین اهمیتی است که ناتالی پیگه گرو «حافظه خواننده [را] موتور اصلی شناخت بینامتنی» می‌داند (دادور، ۱۳۹۰: ۱۳). به عبارت دیگر در بینامتنیت دریافت یا خوانشی، خوانندگان با توجه به تجربه زیستی و سطح دانش خود، دریافت‌های متفاوتی از دلالت‌ها و روابط میان‌متنی اثر خواهند داشت. در مورد بینامتنیت‌های خوانشی داستان روی ماه می‌توان دو تقسیم‌بندی کلی انجام داد:

۴-۱) مطالب محققانی که در مورد داستان روی ماه تحقیق کرده‌اند یا خواهند کرد. این محققان درحقیقت در حکم خوانندگانی هستند که با توجه به زمینه مطالعاتی و یا تجربه زیستی خود، معانی و دلالت‌های گوناگونی از این داستان برداشت خواهند نمود. ممکن است یکی از منظر اگزیستانسیالیسم (حسن‌زاده میرعلی و پورسلیمی، ۱۳۹۸: ۴۰-۵۶) و دیگری از منظر تقابلی‌های دوگانه (شریفی ولدانی و میری اصل، ۱۳۹۱: ۱۲۹-۱۵۰) به این داستان بنگرد. به نظرات این خوانندگان (=محققان) در قسمت‌های مختلف مقاله ارجاع داده شده است.

۴-۲) نویسندگان مقاله حاضر نیز جزو خوانندگان به حساب می‌آیند و نظرات مختلفی که آنها در این مقاله ابراز کرده‌اند، جزو بینامتنیت دریافت به حساب می‌آید. به عنوان مثال، عنوان داستان روی ماه خداوند را بیوس، برای نگارندگان یادآور این بیت معروف حافظ است: «روی نگار در نظرم جلوه می‌نمود/ وز دور بوسه بر رخ مهتاب می‌زدم» (حافظ، ۱۳۷۴: ۲۶۵). در حالی که ممکن است برای خواننده‌ای دیگر چنین تداعی‌ای صورت نپذیرد. نظرات نویسندگان مقاله حاضر در قسمت‌های مختلف مقاله اظهار شده، بنابراین برای پرهیز از اطناب از ذکر مثال‌های بیشتر خودداری می‌گردد.

#### ۵. پیرامتنیت ژنتی

ژرار ژنت (Gerard Genthe) از معروفترین نظریه‌پردازان بینامتنیت به شمار می‌رود. در اکثر آثار نگارش یافته در مورد بینامتنیت، به نام و تقسیم‌بندی وی اشاره شده است. ژنت بینامتنیت را زیرمجموعه فرامتنیت می‌آورد و آن را به پنج دسته تقسیم می‌کند: سرمتنیت، بینامتنیت، ورامتنیت، پیرامتنیت و زیرمتمنیت (آلن، ۱۳۹۷: ۱۴۷-۱۵۶). از این موارد پنج گانه، پیرامتنیت، بینامتنیت، ورامتنیت در خوانش داستان روی ماه بیشتر کاربرد دارند. به بینامتنیت در جاهای مختلف مقاله پرداخته شده است. نقدها و نظرات محققان مختلف که در جاهای گوناگون مقاله بدان‌ها اشاره رفته، جزو ورامتنیت به حساب می‌آیند (همان: ۱۴۷)، و در ادامه به بررسی پیرامتنیت می‌پردازیم. از نظر ژنت «پیرامتن... شامل همه آن مواردی است که هرگز مشخصاً متعلق به متن یک اثر نبوده، اما در ارائه یا احضار «متن از راه شکل دادن‌اش در قالب یک کتاب سهیم هستند» (آلن، ۱۳۹۷: ۱۵۱). ژنت پیرامتنیت را به دو دسته کلی درون‌متن (شامل عناوین اصلی، عناوین فصل‌ها، درآمدها و پی‌نوشت) و برون‌متن (مصاحبه‌ها، آگهی‌های تبلیغاتی، نقد و نظرهای منتقدان و جوابیه‌های خطاب به آنان، نامه‌های خصوصی و...) تقسیم می‌کند (همان: ۱۵۰). پیرامتن‌ها با ایجاد سوال‌هایی مانند «این

متن چه زمانی انتشار یافته؟ توسط چه کسی؟ به چه منظوری؟» (همان: ۱۵۱) و نیز بررسی مواردی همچون قطع کتاب، حروف چاپی انتخاب شده، عناوین، پیش‌کش‌نامه‌ها، سرنویس‌ها، سرلوحه‌ها و مقدمه‌ها راهنمای خواننده در چگونه خواندن یا نخواندن متنی خواهند بود (همان: ۱۵۱-۱۵۳). از میان عناصر متعدد پیرامتنی ژنتی که در بالا ذکر شد، موارد زیر در کتاب روی ماه قابل مشاهده است و می‌تواند معانی و دلالت‌های تازه‌ای از داستان را آشکار نماید.

### ۵-۱. رنگ جلد کتاب

وقتی کتاب روی ماه را به دست می‌گیریم، اولین نکته‌ای که جلب توجه می‌کند، رنگ جلد کتاب است. رنگ جلد این رمان، از چاپ اول در سال ۱۳۷۹ تا چاپ نود و سوم در سال ۱۴۰۰، آبی‌رنگ بوده است. رنگ آبی که نزد فرهنگ‌ها و اقوام مختلف با مفاهیمی مشترکی همچون «غیرمادی بودن، بی‌نهایت بودن، ابدیت آرام، ماوراءالطبیعه، حقیقت، گسیل روح آزاد به سوی خداوند و...» مرتبط است (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹: ۴۲/۱-۴۹)، با موضوع مذهبی و فلسفی داستان، مخصوصاً پایان آن، که یونس به وجود خداوند یقین پیدا می‌کند و به همین سبب رنگ «آبی» حدود شش بار تکرار می‌شود، تناسب دارد (اکبری شلدیره، ۱۳۸۴: ۴۸).

### ۵-۲. طرح روی جلد

طرح روی جلد از دیگر موارد پیرامتنی است (نامور مطلق، ۱۳۸۶ الف: ۹۰). طرح روی جلد داستان روی ماه شامل نام کتاب است که بر زمینه آبی‌رنگ جلد کتاب، با خط تحریری شکسته از وسط جلد کتاب شروع شده، به سمت بالای جلد پیش رفته و از تصویر ماه نورانی عبور کرده است. از آنجا که خط و خوشنویسی «دارای دو وجه دیداری و کلامی» است (نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۳۰۵) ظاهر و شکل عنوان رمان که حرکتی صعودی دارد، می‌تواند دلالتند تلقی گردد: حرکت صعودی عنوان رمان با احوال شخصیت اصلی رمان، یعنی یونس که از درکات تردید به درجات یقین می‌رسد، متناسب است.

### ۵-۳. آرم نشر مرکز

دیگر از موارد پیرامتنی که در نگاه اول قابل مشاهده است، آرم نشر مرکز، در وسط بالای جلد کتاب است؛ ناشری خصوصی<sup>۱</sup> و از ناشران معتبر ایران (سادات شریفی، ۱۳۹۲: ۱۰). وجود این آرم به همراه نوشتن تعداد دفعات چاپ کتاب (چاپ نود و سوم) به نوعی دلالت‌گر اعتبار و پرفروش بودن آن است.

### ۵-۴. نقل قول قبل از شروع داستان

دیگر از موارد پیرامتنی ژنتی، در داستان روی ماه، نقل قولی است که قبل از شروع داستان آمده است: «هرکس روزنه‌ای است به سوی خداوند اگر اندوهناک شود، اگر به شدت اندوهناک شود» (مستور، ۱۳۷۹). همان‌گونه که مالون (Malbon) یکی از کارکردهای آغاز روایت را، کارکرد بینامتنی می‌داند «به این معنی که آغاز داستان به خواننده می‌گوید که متن را چگونه بخواند، آیا متن دارای ساختاری بسته و خودمحور است یا به متن‌های دیگر اشاره دارد» (حسن‌زاده میرعلی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۰). این نقل قول نیز بنا به دلایل زیر در خوانش بینامتنی داستان روی ماه موثر است: نقل قول بالا با برخی داستان‌های مستور روابط بینامتنی دارد: از جمله داستان «کیفیت تکوین فعل خداوند» که این نقل قول در پایان آن آمده است (مستور، ۱۳۹۹: ۱۶۱). این نقل قول موجب می‌شود تا داستان روی ماه با برخی داستان‌های مستور که قبل از شروع، نقل قول دارند، ارتباط بینامتنی پیدا کند، از جمله داستان «بقایای عشق خداوند» که مستور در آغاز آن، جمله‌ای از انجیل آورده است (مستور، ۱۳۸۲: ۱۲-۱۳)؛ از سوی دیگر درونمایه «اندوه» در این نقل قول، نوعی رابطه بینامتنی با درونمایه خود داستان دارد؛ زیرا در آن مسائل اندوهناکی مانند خودکشی دکتر پارسا، مرگ

<sup>۱</sup> برای اطلاعات بیشتر در مورد نشر مرکز به سایت اینترنتی آن مراجعه کنید: <https://nashremarkaz.com/about-us>

منصور و... وجود دارد. این نقل قول موجب ارتباط بینامتنی داستان روی ماه با دیگر داستان‌های مستور می‌شود، زیرا «اندوه» در کنار دغدغه متافیزیک و زن جزو ارکان داستان‌های مستور به حساب می‌آیند (نعیمی، ۱۳۸۵: ۲۱). همچنین این اندوه با نقش، مفهوم و اندیشه «اندوه» در فرهنگ اسلامی و ادبیات انقلاب، روابط بینامتنی ایجاد می‌کند. توضیح آنکه به سبب هبوط آدم از بهشت به این جهان و در نتیجه دور افتادن آدمیزادگان از خداوند، انسان همواره در این جهان در فراق معشوق (=خداوند) و در غم و اندوه به سر می‌برد تا آن‌گاه که دوباره به وصال او نایل شود (همان: ۱۸). از آنجا که به تعبیر قیصری در ادبیات انقلاب اسلامی یا «ادبیات مکتبی» «غالباً تظاهر به شادخواری ناروا دانسته می‌شود و به جای آن در ملا عام (و برای ملا عام) اظهار دردمندی و عرضۀ دژمرویی ارجحیت می‌یابد» (قیصری، ۱۳۷۳/۱۹۹۴: ۲۴۷)، داستان روی ماه به سبب وجود برخی مضامین اندوهناک، با ادبیات مکتبی نیز پیوند می‌یابد.

امروزه اغلب کتاب‌خوانان در ایران با شنیدن نام مستور، داستان روی ماه را تداعی می‌کنند (مرتضایی فرد، ۱۳۹۰: ۴ تیر) اهمیت این داستان در میان داستان‌های مستور تا بدان حد بوده که برخی آن را «مهمترین و معروفترین رمان» مستور (حسن‌پور و مطلبی، ۱۳۸۹: ۱۴۷) و «رقم زنده هویت داستانی تمام آثار بعدی» وی دانسته‌اند (نعیمی، ۱۳۸۵: ۱۶). از مستور هم در رسانه‌ها گاه به عنوان «خالق رمان پرفروش روی ماه خداوند را بیوس» یاد کرده‌اند (مستور، ۱۳۸۷: ۲۲ دی). این نوع عناوین و القاب از نظر بینامتنی مهم و مورد توجه است، به سبب آنکه نوشتن عبارتی مانند «نویسنده کتاب فلان» پس از نام نویسنده، عبارتی بینامتنی به حساب می‌آید، زیرا «خواننده را با پرسش بینامتنی (و گاه با معنای خاص آن، یعنی مناسبات درونی آثار این نویسنده) رویارو می‌کند» (احمدی، ۱۳۸۰: ۳۲۴).

## ۵-۵. نشست‌ها و مصاحبه‌ها

مستور نشست‌ها و مصاحبه‌های زیادی با رسانه‌های مختلف داشته، طراح برنامه‌یی به نام «روایت ۴» در شبکه چهار تلویزیون بوده (رنجبر، ۱۳۸۶: ۱ شهریور) و برخی داستان‌هایش مانند داستان روی ماه برنده «جایزه قلم زرین» و رمان «استخوان خوک و دست‌های جذامی» برنده «جایزه ادبی اصفهان» شده‌اند. از آنجا که ژنت مواردی مانند «مصاحبه‌ها، نشست‌ها، نقد و نظرهای منتقدان، جوابیه‌های خطاب به آنان و...» را جزو عناصر «برون‌متنی» پیرامتن به حساب می‌آورد (آلن، ۱۳۸۰: ۱۵۰)، بنابراین عوامل بالا در مشهور شدن مستور و در نتیجه چاپ‌های مکرر کتاب‌های وی موثر بوده است.

## ۶. بینامتنیت درون‌مولفی

روابط و ارجاعات بینامتنی به دو دسته کلی برون‌متنی و درون‌متنی تقسیم می‌شود. ارجاعات برون‌متنی نیز به دو دسته بزرگ میان‌مولفی و درون‌مولفی تقسیم می‌گردد. منظور از ارجاعات درون‌مولفی، ارجاعاتی است که نویسنده، اغلب به طور غیرمستقیم به دیگر آثار خود می‌دهد. از آنجا که این ارجاعات، سبب توجه ذهن مخاطب به آثار دیگر نویسنده یا تداعی آن آثار می‌شود، و آشنایی با آثار مولف در درک دلالت‌ها و معانی ضمنی آثار وی به خواننده کمک می‌نماید، این نوع ارجاعات را جزو بینامتنیت به حساب می‌آورند (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ب: ۴۳۰).

### ۶-۱. درون‌مولفی

بینامتنیت درون‌مولفی از پربسامدترین بینامتنیت‌ها در داستان‌های مستور است و محققان زیادی به وجود آن اشاره کرده‌اند. از نظر این محققان آثار مستور مانند شبکه‌ای است که برخی نام‌ها، جملات، شخصیت‌ها و... در آن‌ها عیناً تکرار می‌شوند، چنانکه گویی خوانش این آثار وابسته به یکدیگر است (نعیمی، ۱۳۸۵: ۱۹ و بحرانی و سادات شریفی، ۱۳۸۷: ۵۵-۶۵). این نوع بینامتنیت از آنجا اهمیتی مضاعف می‌یابد که مستور خود به وجود آن در داستان‌هایش تصریح دارد. وی در پاسخ سوال «یکی از ویژگی‌های

داستان‌های شما بینامتنیت است... شما خودتان به این مسئله اعتقاد دارید؟» می‌گوید: «بله دقیقاً همین‌گونه است... مثلاً شخصیت دانیال در استخوان خوک در داستان بعدی هم آمده و بیشتر بهش پرداخته شده... یا شخصیت داستان‌های من هیچگاه نگاه نمی‌کنند، بلکه خیره می‌شوند... اشتراک‌های بین داستان‌ها در شخصیت‌ها خلاصه نمی‌شود، بلکه در فیزیک و موقعیت و دیالوگ‌ها هم گسترش پیدا می‌کند. من بعضی از قسمت‌های داستان‌هایم را عیناً در داستان بعدی خود می‌آورم» (رفاهی، ۱۳۸۶: ۱۴). پیوستگی میان برخی داستان‌های مستور، تا بدان حد است که برخی در مورد داستان‌های او، هر چند این آثار در مجموعه‌های جداگانه‌ای چاپ شده‌اند، از تعبیر «سریال‌وار» استفاده کرده و «تکرار» را مهمترین ویژگی سبکی آثار وی دانسته‌اند (حاجتی جولدان، ۱۳۸۹: ۲۱). به عنوان نمونه احوال سوسن در داستان «چند روایت معتبر درباره سوسن»، در رمان «استخوان خوک و دستهای جذامی» عیناً و تکه‌تکه و در خلال ماجراهای دیگر آمده و ادامه یافته است. یا داستان «دو چشم‌خانه خیس» به داستان کوتاه «کشتار» شباهت دارد. یا ماجرای «چند روایت معتبر درباره مرگ» در داستان «در چشمهات شنا می‌کنم و در دستهای می‌میرم» ادامه یافته است (حاجتی جولدان، ۱۳۸۹: ۲۱). علاوه بر موارد بالا، در ادامه به برخی از مهمترین روابط میان مولفی داستان روی ماه اشاره می‌شود.

## ۲-۶. میان مؤلفی

### ۲-۶-۱. عشق‌های عذری و خیالی

از جمله درونمایه‌های اصلی آثار مستور، عشق است. البته عشقی پاک و به دور از تماس‌های جسمی و جنسی. به همین سبب در داستان‌های وی روابط عاشقانه، معمولاً به ازدواج منجر نمی‌شوند: «هیچ وقت برای معشوق واقعی شعر روی میز نمی‌نوشت، عشق‌هایش همه خیالی بودند» (مستور، ۱۳۷۹: ۱). برخی این نوع روابط عاشقانه را یادآور عشق و معشوق خیالی در ادب غنایی فارسی دانسته‌اند (باقری، ۱۳۹۵: ۷۳ و ۷۶) و عده‌ای نیز بین این نوع عشق در داستان‌های مستور با آثار جروم دیوید سالیانجر (David Salinger Jerome) مشابهت یافته و معتقدند که «علاقمندی مستور به آثار «جروم دیوید سالنجر... در پی ریزی عشق‌های خالی از جسمانیت... انکار کردنی نیست» (طیبی، ۱۳۸۷: ۵۰). مستور از این نوع عشق‌ها در داستان‌های خود گاه با تعبیر «فاصله معقول» یاد کرده و عواملی مانند «شدت عشق» و پرهیز از شبیه شدن داستان به «یک داستان باسماه‌ای شبیه فیلم‌های فارسی و هندی» را سبب وجود چنین عشق‌هایی در داستان‌های خود ذکر کرده است (شاکری، ۱۳۸۵: ۴۷).

### ۲-۶-۲. استاد دانشگاه بودن برخی شخصیت‌های داستانی

در داستان روی ماه: دکتر پارسا، در داستان آن مرد داس دارد: همسر مهتاب و در رمان استخوان خوک...: دکتر مفید. مستور به وجود چنین موضوعی در داستان‌هایش تصریح دارد: «در بقیه آثار من شخصیت‌های محوری معمولاً دانشجو، استاد دانشگاه، فرهنگی، هنرمند و به نوعی فرهیخته یا به مفهوم متعارف روشنفکر هستند» (مستور، ۱۳۹۸: ۳۰ آبان).

### ۲-۶-۳. تکرار نام‌ها در داستان‌های مختلف

نام «سایه» در داستان‌های روی ماه، «چند روایت معتبر درباره زندگی» و «در چشمهات شنا می‌کنم و در دستهای می‌میرم»، و نام «سوسن» در داستان روی ماه و داستان «چند روایت معتبر درباره سوسن» تکرار شده است. یونس و نامزدش سایه، در داستان روی ماه، یادآور یونس و سایه در داستان «در چشمهات شنا می‌کنم و در دستهای می‌میرم» است. علیرضا و رویکرد عرفانی وی به جهان در داستان روی ماه یادآور شخصیتی با همین نام و همین رویکرد در بخش پنجم داستان «چند روایت معتبر درباره مرگ» است (مستور، ۱۳۹۹: ۴۳۴-۴۴۱).

## ۶-۲-۴. دیگر موارد

ویژگی‌های مشترک در داستان‌های مستور تنها به موارد بالا محدود نمی‌شود، بلکه مواردی مانند «تکرار، اطناب و تفصیل، کاربرد گروهی از کلمات معطوف به هم، به کارگیری جملات کوتاه به فراخور فضا، استفاده از جملات و عبارات انگلیسی، آوردن مونولوگ-های طولانی، به کارگیری شعر در فواصل برخی داستان‌ها، استفاده موثر مخصوصاً از تشبیه و تشخیص» از ویژگی‌های زبانی و بلاغی‌ای است که در داستان‌های مختلف مستور تکرار می‌شوند. (لیاقی مطلق، ۱۳۸۸: ۲)

## ۷. بینامتنیت صریح (آشکار)

از جمله تقسیم‌بندی‌های اولیه و معروفی که در مورد بینامتنیت ارائه شده، بینامتنیت صریح (آشکار) و غیرصریح (پنهان) است. اگرچه کسانی مانند فرکلاف و نعیم الیافی بازنمایی بینامتنیت در متن را «به دو روش صریح و غیرصریح» تقسیم کرده‌اند (عظیم‌دخت، ۱۳۹۵: ۶۰) و خواجه‌ایم و دیگران، (۳۵: ۱۳۹۵)، اما این تقسیم‌بندی دوگانه، از ژنت اخذ شده است. ژنت بینامتنیت را به سه دسته کلی (نامور مطلق، ۱۳۸۶ الف: ۸۹) تقسیم می‌کند: ۱) صریح و لفظی که شامل نقل قول و ارجاع می‌شود. به گفته ژنت بینامتنیت در صریح‌ترین شکل آن همان «عمل سنتی نقل قول است» که ممکن است با ارجاع یا بدون ارجاع صورت بگیرد (نامور مطلق، ۱۳۸۶ الف: ۸۸-۸۹). ارجاع نیز مانند نقل قول «صورتی صریح از بینامتنیت است، اما متن دیگر را بیان نمی‌کند، بلکه به آن ارجاع می‌دهد» (نامور مطلق، ۱۳۹۵: ۴۵). ارجاع و نقل قول گاه ممکن است با هم بیایند، مانند بیت معروف سعدی: چه خوش گفت فردوسی پاک‌زاد... (همان: ۴۶) ارجاع‌ها معمولاً به نام نویسنده یا نام اثر است (همان‌جا) و انواع مختلفی دارد مانند درون‌متنی، بینامتنی، بینامولفی، درون‌مولفی، بینانسانه‌ای و... (همان: ۵۱). به عنوان نمونه اشاره‌هایی که در داستان روی ماه به نام برخی شاعران، بدون نقل شعری از آنها شده جزو ارجاع قرار می‌گیرند. ۲) بینامتنیت غیرصریح و اعلام نشده که در حکم سرقت ادبی است. ۳) بینامتنیت ضمنی که ژنت از آن با عناوینی چون «کنایات، اشارات و تلمیحات» نام می‌برد و در توضیح آن می‌گوید: «گفته‌ای که نیاز به ذکاوت فراوان دارد تا ارتباط میان آن متن و متن دیگری که ضرورتاً بخش‌هایی را به آن باز می‌گرداند، دریافت شود» بنابراین بینامتنی ضمنی را فقط «مخاطبان خاصی که نسبت به متن اول... آگاهی دارند» درک و دریافت می‌کنند (نامور مطلق، ۱۳۸۶ الف: ۸۹). از آنجا که تا کنون هیچ کس به سرقت در داستان روی ماه اشاره‌ای نکرده، این مسأله در مورد آن منتفی است. بینامتنیت ضمنی نیز چون در حقیقت همان بینامتنیت پنهان است، در ذیل عنوان بینامتنیت غیر صریح (پنهان) بررسی گردید.

## ۷-۱. نقل قول‌ها (با ارجاع و بدون ارجاع)

مستور در داستان روی ماه غالباً نام شاعران و نویسندگانی را که از آنها مطلبی نقل کرده است، در پاورقی ذکر می‌کند. به عنوان نمونه: «بعد با لبخند محوی می‌گوید: «و خاصیت عشق این است» (مستور، ۱۳۹۷: ۲۲) و در پاورقی همان صفحه به «سهراب سپهری» ارجاع داده است. سپهری در شعر معاصر، به عنوان چهره و نماینده «عرفان جدید» (شمس لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱۹/۴) به بیان مسائل عرفانی با زبانی تازه معروف است؛ از این رو نقل قول اشعار سپهری با محتوای داستان روی ماه که مسائل کهن مذهبی را در فرم و شکلی نو، یعنی رمان بیان کرده تناسب دارد. به سبب این تناسب، برخی از «پیوند تنگ و نزدیک» جهان‌نگری کلی حاکم بر رمان روی ماه با فلسفه فکری سپهری به ویژه در شعر «صدای پای آب» و «مسافر» سخن گفته و به عنوان مثال این سخن علیرضا که کفش‌های موسی را نماد رهایی وی از عشق به همسرش می‌داند (مستور، ۱۳۷۹: ۸۹) متأثر از این جمله کتاب اطاق آبی سپهری دانسته‌اند: «کفش ته مانده تلاش آدم است در راه انکار هبوط. تمثیلی از غم دورماندگی از بهشت. در کفش چیزی شیطانی است» (اکبری شلدرد، ۱۳۸۴: ۵۱). علاوه بر موارد بالا، نقل قول کردن از اشعار سپهری در این داستان از دو منظر روابط بینامتنی می‌سازد: ۱) علاقه مستور به سپهری از نوجوانی و مطالعه اشعار وی ۲) اشتراک سپهری و مستور در صفت شاعری؛ (مستور دو دفتر شعر به نام‌های «و دست‌های بوی نور می‌دهند» و «گرچه همسایه» دارد).

مستور دو بار در داستان روی ماه از اشعار فروغ فرخزاد نقل قول (با ارجاع) کرده و در پاورقی به وی ارجاع داده است: شعر «هدیه» (مستور، ۱۳۹۷: ۲۲) و شعر «کسی که مثل هیچ کس نیست» (همان: ۷۸). اما در هر دو مورد، کارکرد متفاوتی از اشعار فرخزاد اراده کرده است. از نظر ژنت یکی از فرایندهایی که می‌تواند در بینامتنیت رخ دهد، مسئله «دگرانگیزش» است، یعنی «زبرمتن‌ها می‌توانند انگیزه‌هایی را به شخصیتی القا کنند که در زیرمتن خود فاقد آن بوده» (آلن، ۱۳۹۷: ۵۹)؛ «به این معنا که نویسنده‌ای که متون دیگر را از متن فرهنگی پیش از خود اقتباس می‌کند، اما آنها را مطابق با انگیزه شخصی خود دگرگون می‌کند» (رضایی دشت ارژنه و بیژن‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۸۵). می‌توان گفت در نقل قول این دو شعر فرخزاد در داستان روی ماه فرایند دگرانگیزش رخ داده است: مستور شعر فرخزاد را وارد متن خود کرده، ولی هدف و انگیزه اولیه آن را، که غیرمذهبی بوده، تغییر داده تا با احوال شخصیت‌های داستان وی متناسب گردد: در این داستان شعر «هدیه» تأکیدی است بر «فرورفتگی فکر و ذهن یونس در نهایت ظلمت شهر شک» و شعر «کسی که مثل...» هم در واقع بشارتی است بر رهایی یونس از ظلمت شک و ورود او به دنیای ایمان و معنویت (اکبری شلدیره، ۱۳۸۴: ۵۰).

نقل بیتی از حافظ (بدون ارجاع) از زبان پرویز: «پرویز لبه‌ایش را غنچه می‌کند و به دختری که بغلش نشسته اشاره می‌کند و می‌گوید: بوی بنفشه بشنو و زلف نگار گیر/ بنگر به رنگ لاله و عزم شراب کن» (مستور، ۱۳۹۷: ۷۴) نقل قول (با ارجاع) از آیات قرآن و یا ترجمه فارسی آنها در مکالمات میان سایه و یونس، مخصوصاً در قسمت‌هایی که مربوط به رساله سایه (مکالمات موسی با خداوند) است، سایه: «انی انا ربک فاخلع نعلیک... فاستمع لما یوحی» (مستور، ۱۳۹۷: ۵۲) که در پاورقی همین صفحه منبع نقل قول خود، یعنی سوره طه، آیه‌های ۱۲ و ۱۳ را نقل نموده است. مثال نقل ترجمه قرآن به زبان فارسی (بدون ارجاع): «خداوند به موسی فرمود بر کوه تجلی می‌کنم، اگر کوه بر جای خود ماند، آن‌گاه می‌توانید مرا ببینید» (مستور، ۱۳۹۷: ۵۴). اهمیت بینامتنی نقل قول از قرآن در آن است که میراث دینی نزد اکثر ملت‌ها از قدیمی‌ترین و غنی‌ترین منابع الهام بوده است (احمدی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۶۶).

## ۷-۲. ارجاع‌ها

در داستان روی ماه دوبار به حافظ ارجاع داده شده است (مستور، ۱۳۹۹: ۱ و ۶۵). این ارجاع از آنجا اهمیتی بینامتنی می‌یابد که بدانیم مستور از دوران نوجوانی به حافظ علاقمند بوده و اشعار او را می‌خوانده است. نویسنده دیگری که در داستان روی ماه به او ارجاع داده شده، امیل دورکیم است که یونس «طرحی از وی را به دیوار اتاقش کوبیده» است (مستور، ۱۳۷۹: ۲۲). نگاهی به برخی از مهمترین نظرات دورکیم، شباهت این نظریه‌ها با احوال و سخنان یونس و دکتر پارسا را آشکار می‌سازد: نخستین اصل جامعه‌شناسی دورکیم این است که «واقعیت‌های اجتماعی را همچون اشیا مطالعه کنید!» (گیدنز، ۱۳۷۷: ۷۴۴). دکتر پارسا نیز در پی آن است تا «مفاهیم انسانی» مانند عشق را «تحلیل ریاضی» کند (مستور، ۱۳۷۹: ۶۱). علاوه بر این دورکیم معتقد است که امروزه در نتیجه پیشرفت اجتماعی «نظارت‌ها و ضوابط اخلاقی سنتی که توسط مذهب فراهم می‌گردید» از بین رفته است؛ در نتیجه بسیاری از افراد در زندگی احساس بی‌معنایی می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۷۴۴). این احساس بی‌معنایی را در احوال برخی شخصیت‌های داستان، همچون یونس، یا مخصوصاً جولیا و مهرداد که به جوامع پیشرفته مانند آمریکا تعلق دارند، بیشتر می‌توان مشاهده کرد.

از دیگر بینامتنیت‌های صریح در داستان مستور، ارجاع به فیلم آگران‌دیسمان از میکال آنجلو آنتونونی، کارگردان مشهور ایتالیایی است (Antonioni, 1966). آگران‌دیسمان بر اساس داستانی کوتاه از خولیو کرتاتار به نام «تف شیطان» ساخته شده است (کرتاتار، ۱۳۹۷) بنابراین با آن روابط بینامتنی دارد.<sup>۱</sup> اهمیت آگران‌دیسمان در این است که دکتر پارسا سه ساعت قبل از مرگش این

۱. نام اصلی داستان آگران‌دیسمان «تف شیطان» است، اما به سبب شهرت فیلم آگران‌دیسمان در ایران، در ترجمه داستان‌های کرتار به فارسی مترجم نام «آگران‌دیسمان» و چند داستان دیگر را انتخاب کرده است. (نک: کرتاتار، ۱۳۹۷)

فیلم را در سینما «شهر قصه» می‌بیند(مستور، ۱۳۷۹: ۴۰). از نظر درونمایه و ساختار، شباهت‌هایی بین داستان روی ماه... و فیلم آگراندیسمان وجود دارد: هر دو اثر دارای درونمایه‌های فلسفی، اگزیستانسیالیستی و عاشقانه هستند. درونمایه هر دو اثر به نوعی جستجو است: توماس در آگراندیسمان در جستجوی قاتل است و یونس در داستان روی ماه علاوه بر کشف علت خودکشی دکتر پارسا، در پی رسیدن به پاسخ سوال «آیا خداوندی هست یا نه؟» نیز هست. در آگراندیسمان وقتی توماس عکس را بزرگتر می‌کند، تا بهتر به راز قتل پی ببرد، وضوح عکس کمتر می‌شود و او را از واقعیت دورتر می‌گرداند، در روی ماه نیز وقتی یونس می‌خواهد با کمک عقل و فلسفه و با جزئیات به وجود خدا پی ببرد، از خداوند دورتر می‌شود. در پایان هر دو اثر، نگاه علمی و پوزیتیویستی، مخصوصاً به مسائل متافیزیکی مردود شمرده می‌شود.

در اتاق دکتر پارسا دو قاب عکس وجود دارد: یکی عکس سیاه و سفیدی است از پدر پارسا و دیگری طرحی است با مداد کتته از ماکس پلانک(همان: ۶۱). میان برخی اندیشه‌های ماکس پلانک با احوال دکتر پارسا تشابهات و در نتیجه روابط بینامتنی وجود دارد: ماکس پلانک، فیزیکدان آلمانی، برندهٔ جایزه نوبل و صاحب نظریهٔ معروف کوانتوم در فیزیک است(مصاحب، ۱۳۸۳: ۵۵۱/۱). وی در داستان روی ماه، چهره‌ای نماد علم و عقل است، همانند دکتر پارسا که در این داستان نماینده نگرش و برخورد علمی با مفاهیم انسانی است. از ماشین پرویز صدای موسیقی راک اند رول بلند است(مستور، ۱۳۷۹: ۷۴): سبکی از موسیقی عامه‌پسند که در دههٔ ۱۹۵۰ در آمریکا رواج داشته است(”Rock and roll”: Oxford). این نوع موسیقی با احوال پرویز که به دنبال عیش و عشرت با زیبارویان است، متناسب است و روابط بینامتنی می‌سازد.

## ۸. بینامتنیت غیر صریح (پنهان)

در مورد بینامتنیت غیر صریح یا پنهان، در بالا بحث شد. این نوع بینامتنیت ممکن است با انواع دیگر بینامتنیت‌ها از جمله بینامتنیت دریافت، همپوشانی و شباهت داشته باشد: همان‌گونه که در بینامتنیت دریافت، خوانندگان گوناگون، با توجه به تجربهٔ زیستی و سطح آگاهی، ممکن است برداشت‌هایی متفاوت، از اثری واحد داشته باشند، میزان بینامتنیت پنهان یک متن نیز، با توجه به سطح آگاهی خوانندگان آن متن، متغیر خواهد بود: هر چه خواننده‌ای آگاه‌تر باشد، بینامتنیت‌های پنهان بیشتری دریافت خواهد نمود. به عنوان مثال اندیشه‌های اگزیستانسیالیستی در داستان روی ماه جزو بینامتنیت پنهان و در حین حال دریافتی به حساب می‌آید: خوانندهٔ آگاه این بینامتنیت پنهان را درک و دریافت می‌کند، ولی خوانندهٔ ناآگاه خیر. در ادامه مهمترین بینامتنیت‌های پنهانی که در داستان روی ماه به نظر محققان و نیز نگارندگان مقاله حاضر رسیده است، ذکر می‌گردد.

### ۸-۱. جدال عقل و عشق

مسئله‌ی مانند وجود و عدم وجود خداوند و یا جدال عقل و عشق (= ایمان)<sup>۱</sup> قرن‌هاست که میان اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان مورد بحث بوده و حتی در فرهنگ ایران گاه دوره‌های تاریخی و شاعران و نویسندگان را بر اساس این دو مؤلفه تقسیم‌بندی کرده‌اند. جدال عقل و عشق در لابه لای داستان روی ماه حضور غیر صریح، اما مهمی دارد. در نهایت این جدال به پیروزی عشق(ایمان) منتهی می‌شود: یونس از شک به ایمان می‌رسد و مهرداد با علیرضا به مشهد می‌رود. برخی محققان نیز به وجود چنین جدالی در داستان مستور اشاره داشته‌اند: «همان جدال همیشگی که در لغت فرهنگی خودمان مشهور به جدال عقل و عشق یا عقل و ایمان است، در این کتاب هم به نوعی درونمایه قرار می‌گیرد»(سرشار و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳۱/۲) و شریفی ولدانی و میری اصل، (۱۳۹۱: ۱۴۸) در داستان روی ماه برخی شخصیت‌ها مانند علیرضا و سایه نماینده طیف عشق‌گرا و برخی مانند دکتر پارسا و مهرداد نماینده گروه عقل‌گرا هستند.

۱. همان‌گونه که دکتر شفیعی گفته، در تقابل میان خرد و عشق، منظور از عشق، «ایمان» است (نک: شفیعی کدکنی، ۱۳۹۷، ج. ۳: ۳۱۹).

**۸-۲. مسائل اگزیستانسیالیستی**

از دیگر بینامتنیت‌های پنهان در داستان روی ماه می‌توان به وجود مسائل اگزیستانسیالیستی اشاره کرد که به صورت غیرصریح، مخصوصاً در سخنان یونس بروز یافته است (مستور، ۱۳۷۹: ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۳۸، ۸۵ و...). مفاهیمی مانند انسان و اصالت وجودی او، آزادی، اختیار، مسئولیت، غربت، یاس، تنهایی، مرگ و بحران‌های انسان در دنیای مدرن که اساس دغدغه‌های وجودی و تفکرات اگزیستانسیالیستی را تشکیل می‌دهند (مشکات، ۱۳۹۰: ۲۱ به نقل از حاجی آقا بابایی و باستان، ۱۳۹۸: ۲) در داستان روی ماه چنان برجسته بوده که نه تنها محققان جسته و گریخته به آن اشاره داشته‌اند، بلکه حتی مقالات مستقلی نیز در این زمینه تالیف یافته است (نک: حسن‌زاده میرعلی و پورسلیمی، ۱۳۹۸: ۴۰). مسائل اگزیستانسیالیستی بدان سبب در خوانش داستان روی ماه اهمیت دارد که مستور خود به وجود چنین نگرشی معترف است و در پاسخ سوال «آیا شما دیدگاه اگزیستانسیالیستی دارید؟» می‌گوید: «بله، اما این دیدگاه از نوع نگاه کی‌یرگارد به هستی است و نه سارتر. هرگز نگفته‌ام خدا وجود ندارد و تنها نسبت به وضعیت انسان‌ها معترض بوده‌ام» (مرتضایی فرد، ۱۳۹۰: ۴ تیر).

**۸-۳. مسأله معنا**

اگزیستانسیالیسم با مسئله دیگری در ارتباط است: معنا. مسئله‌ای که غیرمستقیم در داستان روی ماه حضور دارد. حضور مسئله معنا در داستان روی ماه چنان قوی است که برخی معتقدند «پیرنگ اصلی این رمان و در حقیقت «بهانه» روایت» مبتنی بر مسئله معناست (حسن‌پور و مطلبی، ۱۳۸۹: ۱۶۳). جستجوی معنا با اگزیستانسیالیسم مرتبط است، زیرا «روح اگزیستانسیالیسم جملگی در کار جستجوی معنا در زندگی است» (پامرلو، ۱۳۹۵: ۳۰). یونس در داستان روی ماه در جستجوی خداوند و شناخت یقینی او است. این کار او در حقیقت نوعی معناجویی است، زیرا «جست‌وجوی دین‌داری بخشی از جست‌وجوی معناست» (همان: ۲۰۹) و مستور نیز دین و مذهب را عامل ایجاد معنا در زندگی انسان می‌داند و معتقد است که «عقل قادر به حل همه مسائل» نیست و «یکی از منابع پاسخ‌ها می‌تواند دین باشد» (شاکری، ۱۳۸۵: ۵۱). بدین‌سان داستان‌های مستور، از جمله داستان روی ماه که «دارا بودن مضامین دینی» از اولین و مهمترین ویژگی‌های آن‌هاست (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۹: ۶) جزو داستان‌های معناگرا به حساب می‌آیند و از این منظر با داستان‌های معناگرا و مذهبی رابطه بینامتنی پیدا می‌کنند. موارد بالا وقتی اهمیتی مضاعف پیدا می‌کند که بدانیم مستور به صراحت داستان‌های خود را در حوزه ادبیات معناگرا، یعنی ادبیاتی که به پرسش‌های بنیادین در خصوص معنای زندگی (مانند بی‌پناهی، تنهایی، اندوه شدید، معناداری یا بی‌معنایی هستی و...) می‌پردازد» تعریف و طبقه‌بندی کرده است (شاکری، ۱۳۸۵: ۴۵).

**۸-۴. حضور تعابیر معروف از آثار نویسندگان و شاعران معروف معاصر**

دیگر از بینامتنیت‌های پنهان در داستان روی ماه اشاره به برخی از تعابیر معروف از آثار نویسندگان و شاعران معروف معاصر است. یا به تعبیر دیگر این تعابیر خواه‌ناخواه آن متن یا نویسنده معروف را به ذهن متبادر می‌کند. برخی از این مسئله با عنوان «ارجاع متن به شناخته‌ها» نیز نام برده‌اند (ساسانی، ۱۳۸۴: ۵۱). به عنوان نمونه جمله «یاد من باشد فردا سراغ علیرضا بروم» (مستور، ۱۳۹۷: ۲۴) یادآور شعر «غربت» از مجموعه حجم سبز سهراب سپهری است که در آن جمله «یاد من باشد» شش بار تکرار شده است (سپهری، ۱۳۷۹: ۳۵۴). همچنین جمله «صداها عجیبی مثل صدای جیغ زنی که موهاش را بکشند از توی تاریکی بیرون می‌زند» (مستور، ۱۳۹۷: ۴۰) یادآور جمله معروف داستان گیله‌مرد است که در آغاز و چند جای دیگر داستان آمده است: «از جنگل صدای شیون زنی که زجر می‌کشید، می‌آمد» (علوی، ۱۳۷۷: ۶۷، ۷۰، ۷۲ و ۷۶). یا جمله «و صبح تا شب هم روح من رو مثل خوره می‌خوره» (مستور، ۱۳۹۷: ۲۴)، تداعی‌کننده جمله معروف هدایت در ابتدای رمان بوف کور است: «در زندگی زخم‌هایی هست که مثل خوره روح را... می‌خورد» (هدایت، ۱۳۷۲: ۹).

جمله «آیا خداوندی وجود دارد؟ یا نه» که با احتساب عبارتهای مشتق از آنها، حدود ۲۴ بار در داستان روی ماه تکرار شده است (سلیمی کوچی، ۱۳۹۰: ۱۳۵)، خود عرصه یا موضوعی بینامتنی است که افراد و جریانهای خداپاور و خداناباور اسلامی و غیراسلامی مختلفی را، در طول تاریخ، مانند ابوالعلاء معری، خیام نیشابوری، هایدگر، تیلیش، سارتر، نیچه (نظریه مرگ خدا) و... به ذهن متبادر می‌کند. این جمله همچنین قسمتهایی از شعر «هلا» از دفتر «شرق اندوه» سپهری را به یاد می‌آورد: «زنجره را بشنو: چه جهان غمناک است، و خدایی نیست، / و خدایی هست، و خدایی...» (سپهری، ۱۳۷۹: ۲۱۸). ادبیات متعهد قبل از انقلاب، گفتمانی نیرومند بوده است و نویسندگان و شاعران بزرگی مانند کسرابی، شاملو، اخوان و... آثار و اشعاری همسو با آن خلق کرده‌اند. بسیاری از مؤلفه‌های انقلاب اسلامی مانند مبارزه با امپریالیسم، بازگشت به خویشتن، تعهد و... که در بالا به آنها اشاره شد، در حقیقت نشأت گرفته از گفتمان ادبیات متعهد قبل از انقلاب است (قیصری، ۱۳۷۳/۱۹۹۴: ۲۳۷-۲۴۷). بدین سان می‌توان میان ادبیات انقلاب اسلامی با ادبیات متعهد، رابطه بینامتنی قائل شد. از آنجا که مؤلفه‌های انقلاب اسلامی در داستان روی ماه پررنگ هستند، بنابراین این داستان، با ادبیات متعهد نیز روابط بینامتنی ایجاد می‌کند.

در داستان روی ماه، قصه‌ای به نام «دوستی گنجشک کوچولو و کرم ابریشم» از برنامه «قصه شب رادیو برای کودکان» وجود دارد (مستور، ۱۳۹۷: ۳۸). در ادبیات فارسی معاصر چندین قصه با مضمون «تبدیل کرم ابریشم به پروانه» وجود دارد. یکی از قدیمی‌ترین و معتبرترین این قصه‌ها، «قصه کرم ابریشم» نوشته نورالدین زرین کلک است. این قصه بار اول در سال ۱۳۵۲ و در سال‌های بعد در تیراژهای بالا مکرراً چاپ شده است. موضوع این قصه تبدیل کرم ابریشمی کوچک به پروانه‌ای زیبا است (زرین-کلک، ۱۳۷۷). تبدیل کرم ابریشم به پروانه‌ای زیبا، با احوال دو تن از شخصیت‌های داستان روی ماه ارتباط بینامتنی دارد: (۱) یونس شکاک در خداوند که در پایان داستان به مومنی متیقن بدل می‌شود؛ (۲) مهرداد غیرمذهبی که بر اثر مصاحبت با علیرضا دگرگون می‌گردد و در آخر داستان همراه وی به زیارت امام رضا می‌رود. دگرگونی مهرداد، در پایان داستان، به شکلی دلالت‌مند، آنجا که یونس «مشهد» را به اشتباه «مسلم» می‌شنود، کاملاً مشهود است (مستور، ۱۳۹۷: ۹۷).

## ۹. دیگر انواع بینامتنیت

انواع دیگری از بینامتنیت‌ها را با توجه به داستان روی ماه می‌توان تشخیص داد که در ادامه، گذرا به مهمترین آنها اشاره می‌شود. علاوه بر آن که در داستان روی ماه گه‌گاه از زبان شخصیت‌هایی مانند مهتاب کرانه، جمله‌های انگلیسی روایت می‌شود و مستور ترجمه فارسی این جملات را در پاورقی می‌آورد (مستور، ۱۳۹۷: ۱۴ و ۶۷) داستان روی ماه که به زبان‌های مختلفی همچون انگلیسی، ایتالیایی و ترکی و... ترجمه شده، با تمام این زبان‌ها ارتباط بینامتنی پیدا می‌کند، زیرا بسیاری از محققان ترجمه را گونه‌ای «کنش بینامتنی» محسوب می‌کنند (احمدی، ۱۳۸۰: ۳۹۳) و ترجمه بین‌زبانی را یکی از انواع بینامتنیت می‌دانند (روضاتیان و میرباقری‌فرد، ۱۳۹۰: ۹۱). در ترجمه با دو متن یعنی متن «مبدا و مقصد» مواجهیم که رابطه آنها تعادل یا معادله نیست، بلکه بینامتنیت است. بینامتنیت در ترجمه در دو سطح اتفاق می‌افتد: الف) سطح بومی (درون‌زبانی) ب) سطح جهانی (بین‌زبانی): «در سطح درون‌زبانی متن مبدا در ارتباط با تمامی متن‌هایی که به زبان مبدا نوشته یا گفته شده قرار می‌گیرد... در سطح بین‌زبانی متن مبدا از طریق ترجمه‌هایش با تمامی متن‌هایی که به زبان‌های گوناگون نوشته یا گفته شده، مرتبط می‌شود» (فرحزاد، ۱۳۸۳: ۲۴۶).

در داستان روی ماه شخصیت‌هایی مانند علیرضا و سایه متعلق به فرهنگ شرق، و در مقابل کسانی چون جولیا و مهرداد وابسته به فرهنگ غرب هستند. این مسئله نیز در یکی از شاخه‌های بینامتنیت تحت عنوان بینامتنیت «درون فرهنگی و بینافرهنگی» می‌تواند بررسی شود (رفیع‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۷۲ و نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۲۶۰-۲۶۱).

## ۱۰. نتیجه‌گیری

با آن که چندین دهه از عمر بینامتنیت می‌گذرد، همچنان یکی از پرکاربردترین نظریه‌ها در خوانش آثار هنری است. برخلاف گذشته، که آثار هنری با صفاتی مانند اصیل، بدیع، بکر ممتاز می‌شدند، امروزه دیگر ماثربودن متنی از متن یا متون دیگر نه تنها عیب

نیست، بلکه هم ویژگی ناگزیر متون تلقی می‌شود و هم نشان آشنایی هنرمند با سنت هنری خویش است. داستان روی ماه خداوند را ببوس اثر مصطفی مستور از جمله متونی است که خوانش بینامتنی آن، لایه‌ها و دلالت‌های معنایی آشکار و غیرآشکاری از آن پیدا می‌کند که با خوانش‌های دیگر ممکن نیست. هرچند بینامتنیت به انواع و اقسام گوناگون تقسیم می‌شود، اما در مقاله حاضر برای خوانش داستان روی ماه خداوند را ببوس از هفت نوع آن (بینامتنیت تولید، بینامتنیت خوانشی، پیرامنتیت ژنتی، بینامتنیت درون‌مولفی، بینامتنیت آشکار، بینامتنیت پنهان و...)، که بیشتر با داستان حاضر تناسب داشت استفاده شد. به عنوان نمونه با استفاده از بینامتنیت تولید (تکوینی) تأثیرات گفتمان انقلاب اسلامی و همچنین زندگی و احوالات شخصی مستور در خلق داستان روی ماه خداوند را ببوس را واکاوی شد. موضوعی که خود مستور نیز گاه در مصاحبه‌هایش به این تأثیرپذیری اشاره کرده است. یا مواردی مانند «رنگ جلد، طرح روی جلد، آرم نشر مرکز و نقل قول قبل از شروع داستان» که در نگاه اول ممکن است عادی و غیردلالتمند تلقی گردند، با توجه به نظریه فرامنتی و بینامنتی ژنت هر کدام، با توجه به داستان، نقش و معنای خاصی می‌یابد. بنابراین داستان «روی ماه خداوند را ببوس» که تحت تأثیر آثار، افراد، جریان‌ها و گفتمان‌های گوناگونی همچون انقلاب اسلامی ۵۷، مجله کیان، شریعتی، سالی‌نجر و... قرار داشته است با کمک خوانش بینامنتی، معانی، دلالت‌ها، روابط بیناگفتمانی و بینامنتی صریح و غیرصریحی می‌یابد که بدون توجه به آن‌ها، ممکن است در درک معنا و تفسیر داستان با مشکل یا خطا مواجه شویم. توجه به این روابط و عوامل بینامنتی، می‌تواند افق‌های دلالتی و معنایی تازه‌ای پیش چشم مخاطب قرار بدهد.

## منابع

- آلبوغبیش، عبدالله (۱۳۹۵). «پیوند بینامتنیت و هستی‌شناسی پسامدرنیستی در داستان کوتاه «میرزا یونس» از سیروس شمیسا». نقد ادبی، سال ۹، ش ۳۴، تابستان، صص ۳۳-۶۲.
- آلن، گراهام. (۱۳۹۷). بینامنتیت، چاپ ششم، ویراست دوم، تهران: نشر مرکز.
- ابراهیم‌زاده، فاطمه (۱۳۸۹). «بازنمایی دین و چهره دین‌دار در رمان‌های فارسی جدید (تحلیل موردی رمان‌های مصطفی مستور)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء.
- احمدی، بابک (۱۳۸۰). ساختار و تاویل متن، چاپ پنجم، تهران: نشر مرکز.
- احمدی، سید رقیه، شاملی، نصرالله و حسعلیان، سمیه (۱۳۹۸). «بررسی پدیده بینامنتیت قرآنی در اشعار علی بن عیسی اربلی»، دوفصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال هشتم، شماره دوم (پیاپی ۱۶)، پاییز و زمستان، صص ۱۶۳-۱۷۴.
- اصلان‌پور، سمیرا (۱۳۸۱). «من یکی از آن آدم‌ها هستم» (زندگی و آثار احمد محمود به بهانه درگذشت او) گفت‌وگوی سمیرا اصلان‌پور با مصطفی مستور»، ادبیات داستانی، شماره ۶۳، آذر، صص: ۱۸-۲۱.
- اکبری شلدرد، فریدون (۱۳۸۴). «نقد: تماشای روی ماه: گزارشی از رمان «روی ماه خداوند را ببوس» نوشته مصطفی مستور»، ادبیات داستانی، شماره ۹۸ و ۹۹، بهمن و اسفند، صص ۴۶-۵۱.
- امن‌خانی، عیسی (۱۳۹۵). «نقد نظریه‌زدگی: کاربری نادرست نظریه‌ها با تأکید بر مقالات مربوط به آراء باختین»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۴۰، بهار، صص ۱۵۵-۱۸۵.
- امیدی سرور، حمیدرضا (۱۳۹۳). «گفتگوی حمیدرضا امیدی سرور با مصطفی مستور»، مجله الکترونیکی مد و مه، شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۳. <http://www.madomeh.com/site/news/news/1972.htm>
- باقری، بهادر (۱۳۹۵). «چهره قدسی زن و عشق در داستان‌های مصطفی مستور»، پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، سال ۵، ش ۱، بهار و تابستان، صص ۷۳-۹۰.
- بحرانی، اشکان و سادات شریفی، سید فرشید (۱۳۸۷). «بررسی سبک‌شناختی آثار داستانی مصطفی مستور»، به نقل از کتاب سفر در آینه (نقد و بررسی ادبیات معاصر)، عباسعلی وفاپی، چاپ اول ۱۳۸۷، تهران: سخن.
- پاملو، ویلیام‌سی (۱۳۹۵). سینمای اگزستانسیالیستی، ترجمه نصراله مرادیانی، تهران: بیدگل.
- حاجی آقا بابایی، محمدرضا و باستان، مینا (۱۳۹۸). «بررسی دغدغه‌های وجودی در داستان‌های مصطفی مستور (پیکره پژوهش: داستان‌های روی ماه خداوند را ببوس، استخوان خوک و دست‌های جذامی و من گنجشک نیستم)»، جستارهای نوین ادبی، شماره ۴ (پیاپی ۲۰۷)، زمستان، صص ۱-۱۸.
- حاجتی جولدندان، سمیه (۱۳۸۹). «ارتباطات غیرکلامی در آثار داستانی مصطفی مستور»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه

گیلان.

حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۴). دیوان حافظ. تصحیح قزوینی و غنی با اهتمام ع. جریزه‌دار. چاپ پنجم. تهران اساطیر. حسن‌پور، آرش و مطلبی، عفت (۱۳۸۹). «تحلیل روایت رمان «روی ماه خداوند را ببوس» با تاکید بر مسئله معنا»، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۱، زمستان، صص ۱۴۵-۱۶۶.

حسن‌زاده‌میرعلی، عبدالله و پورسلیمی، سعیده (۱۳۹۸). «بررسی گرایش‌های اگزیزستانسالیستی در داستان «روی ماه خداوند را ببوس»، رخسار زبان، ش ۸، بهار، صص ۴۰-۵۶.

حسن‌زاده‌میرعلی، عبدالله، دماوندی، مجتبی و زمانی، فاطمه (۱۳۹۵). «روابط بینامتنی رمان «کیخسرو» با داستان «پادشاهی کیخسرو» در شاهنامه»، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، دوره ۷، ش ۲۳، بهار، صص ۶۱-۸۷.

حسن‌زاده‌نیری، محمدحسن و اسلامی، آزاده (۱۳۹۵). «بررسی و مقایسه شیوه بیان مولفه‌های عرفانی در رمان‌های فرانی و زویی و روی ماه خداوند را ببوس»، فصلنامه مطالعات نظریه و انواع ادبی، سال اول، شماره ۳، تابستان، صص ۱۰۱-۱۲۲.

حق‌شنو، فرخنده (۱۳۸۷). «خلاصه و نقد رمان روی ماه خداوند را ببوس از مصطفی مستور در پی کشف معنای هستی»، روزنامه کیهان، آرشو شنبه ۲۹ تیر ۱۳۸۷، شماره ۱۹۱۳۶.

خواج‌ایم، احمد، علوی مقدم، سیدمحمد، محمدیان، عباس و رجبی، مسلم (۱۳۹۵). «بینامتنیت قرآن و حدیث در اشعار تعلیمی حافظ شیرازی بر اساس نظریه‌های ناقدان ادبی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، شماره ۳۲، زمستان، صص ۲۹-۶۸.

دادور، المیرا (۱۳۹۰). «داستان داش آکل: پاسخی به بینامتنیت و افق انتظار»، ادبیات تطبیقی، شماره ۱ و ۲ (پیاپی ۳)، بهار، صص ۹-۲۲. رضایی دشت ارژنه، محمود و بیژن‌زاده، محمد (۱۳۹۵). «نقد و بررسی داستان «آن پادشاه جهود که نصرانیان را می‌کشت از بهر تعصب» از مثنوی مولوی بر اساس رویکرد بینامتنیت»، متن پژوهی ادبی، ش ۶۸، تابستان، صص ۱۶۷-۱۸۹.

رفاهی، سمیه (۱۳۸۶). «من در ۰- متولد شدم (مصاحبه سمیه رفاهی با مصطفی مستور)، نشریه آزما، شماره ۵۲، مرداد، صص ۱۲-۱۵. رفایی، پریسا (۱۳۹۳). «نگاهی گذرا به بینامتنیت در شاهنامه/ مکانی در زبان»، سینما و ادبیات، پیاپی ۴۳، آذر و دی، صص ۱۶۲-۱۶۵.

رفیع‌زاده، سرورسا (۱۳۹۵). «نمود روابط بینامتنی در شعر کمال خجندی»، پاژ، پاییز و زمستان، شماره ۲۳ و ۲۴، صص ۱۷۰-۱۸۶. رنجبر، کوروش (۱۳۸۶). «گفت‌وگو با مصطفی مستور، داستان‌نویس درباره برنامه روایت ۴: ادبیات در تلویزیون غریب است»، روزنامه اعتماد، شهریور ۱۳۸۶، شماره ۱۴۷۴.

روضاتیان، سید مریم و میرباقری فرد، سیدعلی اصغر (۱۳۹۰). «خوانش بینامتنی، دریافت بهتر از متون عرفانی»، کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، پاییز و زمستان، شماره ۲۳، صص ۸۹-۱۱۲.

زرین‌کلک، نورالدین (۱۳۷۷). قصه کرم ابریشم، چاپ هفتم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. زمانی، فاطمه و تسلیمی، علی (۱۳۹۷). «تحلیل پیوند بینامتنیت با روایت پسامدرنی رمان سوگ مغان»، متن پژوهی ادبی، سال ۲۲، شماره ۸۷، زمستان، صص ۷-۳۰.

سادات شریفی، فرشید (۱۳۹۲). سعی بر مدارد اندوه (گفتارهایی درباره آثار داستانی مصطفی مستور)، چاپ اول، تهران: به نگار.

ساسانی، فرهاد (۱۳۸۳). «پیشینه و پسینه نقد بینامتنی»، بیناب (سوره مهر)، شماره ۵ و ۶، صص ۱۷۲-۱۸۵.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). «تأثیر روابط بینامتنی در خوانش متن»، نشریه زبان و زبان‌شناسی، پاییز و زمستان، شماره ۲، صص ۳۹-۵۶.

سپهری، سهراب (۱۳۷۹). هشت کتاب، چاپ بیست و چهارم، تهران: طهوری.

سخنور، جلال و سبزیان مرادآبادی، سعید (۱۳۸۷). «بینامتنیت در رمان‌های پیتر آکروید»، پژوهشنامه علوم انسانی، ش ۵۸، تابستان، صص ۶۵-۷۸. سرشار، محمدرضا، سلیمانی، بلقیس و زوزی جلالی فیروز (۱۳۹۷). «میزگرد نقد داستان بلند «روی ماه خداوند را ببوس» نوشته مصطفی مستور، صص ۱۵۸-۱۲۷. به نقل از کتاب مجموعه میزگردهای نقد ادبیات داستانی، محمدرضا سرشار، ۲ جلد، چاپ ۱۳۹۷، قم: کتابستان معرفت.

سعادت، اسماعیل (۱۳۸۴). دانشنامه زبان و ادب فارسی، جلد اول، چاپ اول، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

سلیمی کوچی، ابراهیم (۱۳۹۰). «تناظر شخصیت‌پردازی و همسانی درونمایه و پیرنگ در روی ماه خداوند را ببوس و ژان باروا (مطالعه تطبیقی)»، پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، دوره دوم، شماره ۳، پاییز، صص ۱۲۷-۱۴۶.

شاکری، احمد (۱۳۸۱). «خداوندی که نزدیک است (روی ماه خداوند را ببوس نوشته مصطفی مستور)»، ادبیات داستانی، شماره ۶۴ و ۶۵، دی و بهمن، صص ۵۹-۶۲.

شاکری، احمد (۱۳۸۵). «گفتگو: عقل قادر به حل همه مسائل نیست» (مصاحبه با مصطفی مستور)، ادبیات داستانی، شماره ۱۰۱، تیر، صص ۴۲-۵۳. شریفی ولدانی، غلامحسین و میری اصل، کلثوم (۱۳۹۱). «بوسه بر روی ماه (بررسی تقابل‌های دوگانه در رمان روی ماه خداوند را ببوس)»، بوستان ادب،

- سال چهارم، تابستان، شماره ۲ (پیاپی ۱۲) صص ۱۲۹-۱۵۰.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۷). این کیمیای هستی، ۳ جلد. چاپ دوم. تهران: سخن.
- شمس لنگرودی (محمدتقی جواهری گیلانی) (۱۳۷۸). تاریخ تحلیلی شعرنو، ۴ جلد، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.
- شوالیه، ژان و گبران، آلن (۱۳۷۹). فرهنگ نمادها، ترجمه و تحقیق سودابه فضایی، ۵ جلد، چاپ اول، تهران: جیحون.
- طیبه، فریبا (۱۳۸۷). «عشق برای عشق؛ بی شین، بی قاف (بررسی مفهوم عشق در داستان‌های مصطفی مستور)»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۱۲۶، فروردین، صص ۴۵-۵۲.
- عظیمی یانچشمه، الهه و میرباقری فرد، علی اصغر (۱۳۹۶). «بینامتنیت به مثابه روش و بینش تاریخ ادبیات‌نگاری نوین»، جستارهای نوین ادبی، شماره ۱۹۶، بهار، صص ۱-۲۲.
- عظیم‌دخت، ذلیخا (۱۳۹۵). «بینامتنیت در رمان دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد: تحلیلی گفتمانی- اعتقادی»، زبان کاوی، بهار و تابستان، شماره ۲، صص ۵۷-۷۹.
- علوی، بزرگ (۱۳۷۷). گیله مرد، چاپ اول، تهران: نگاه.
- فرحزاد، فرزانه (۱۳۸۳). «بینامتنیت در ترجمه»، مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۱۸۶، صص ۲۴۳-۲۴۸.
- قیادی، حسینعلی، کرمی، موسی، نیکوبخت، ناصر و غلامحسین‌زاده غلامحسین (۱۳۹۱). «تحلیل نسبت میان درون ماه‌های آثار داستانی سیمین دانشور با پیشینه فرهنگی ایران»، متن‌پژوهی ادبی، شماره ۵۴، زمستان، صص ۱۲۳-۱۴۶.
- قیصری، علی (۱۳۷۳/۱۳۹۴). «نقد ادب ایدئولوژیک»، ایران‌نامه، سال دوازدهم، ش ۲ (پیاپی ۴۶)، بهار، صص ۲۳۳-۲۵۸.
- کُرتاثر، خولیو (۱۳۹۷). آگران‌دیسمان و چند داستان دیگر، ترجمه امید نیک فرجام، چاپ سوم، تهران: چشمه.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- لیاقی مطلق، نفیسه (۱۳۸۸). «تحلیل داستان‌های مصطفی مستور»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- مرتضایی‌فرد، زینب (۱۳۹۰). «روایت مستور» (گزارشی از نشست نقد و بررسی «تهران در بعد از ظهر»)، روزنامه جام جم، شنبه ۴ تیر، شماره ۳۱۶۱.
- مستور، مصطفی (۱۳۹۸). «کلمات مزاحم نشوند»، روزنامه ایران، سال بیست و پنجم، پنجشنبه، ۳۰ آبان، ش ۷۲۰۹. آذر، ش ۷۲۱۰.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹). روی ماه خداوند را ببوس، چاپ هفتاد و هفتم. تهران: نشر مرکز.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). «هیولای تفاوت»، خردنامه همشهری، ش ۵۸، مهر، صص ۳۰-۳۵.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷). «هرگز نویسنده‌ای ارزشی و متعهد نبوده‌ام و نیستم»، روزنامه دنیای اقتصاد، شنبه ۲۲ دی ۱۳۹۷، شماره ۴۵۲۰.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). «در حسرت آن روح بزرگ (به مناسبت سال‌روز فقدان شریعتی)»، روزنامه شرق، سه‌شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۵، شماره ۷۸۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). «مستور: از خوانندگانم جلو زده‌ام»، روزنامه جام جم، یک‌شنبه ۲۲ دی ۱۳۸۷، شماره ۲۴۷۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). «ادبیات به پرسش‌های بزرگ ما پاسخ نمی‌دهد»، روزنامه آفتاب یزد، شنبه ۲۰ خرداد ۱۳۸۵، ش ۱۸۱۱.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۹). زیر نور کم (مجموعه کامل داستان‌های کوتاه ۱۳۷۱-۱۳۹۵)، چاپ پنجم، تهران: چشمه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). «گزارش: بقایای عشق خداوند»، نشریه مهر، ۱۸ مرداد ۱۳۸۲، شماره ۱۰، صص ۱۲-۱۳.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۳). دایره‌المعارف فارسی، ۳ جلد، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۹۳). دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی. چاپ پنجم، تهران: آگه.
- ملاابراهیمی، عزت و رحیمی، صغری (۱۳۹۶). «بررسی روابط بینامتنیت اسطوری در اشعار جبرابراهیم جبراب (با تکیه بر اسطوره تموز)»، پژوهشنامه نقد ادب عربی، شماره ۱۴، بهار و تابستان، صص ۱۸۳-۲۱۲.
- نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۶ الف). «ترامتنیت، مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها»، پژوهشنامه علوم انسانی (ویژه‌نامه زبان‌شناسی)، شماره ۵۶، زمستان، صص ۸۳-۹۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶ ب). «مطالعه ارجاعات درون‌متنی در مثنوی با رویکرد بینامتنی» پژوهشنامه علوم انسانی، ش ۵۴، تابستان، صص ۴۲۹-۴۴۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). «از تحلیل بینامتنی تا تحلیل بیناگفتمانی»، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، شماره ۱۲، بهار، صص ۷۳-۹۴.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴). درآمدی بر بینامتنیت، چاپ دوم (ویرایش دوم)، تهران: سخن.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). بینامتنیت (از ساختارگرایی تا پسامدرنیسم). چاپ اول ۱۳۹۵، تهران: سخن.
- نعیمی، زری (۱۳۸۵). «داستان مذهبی مدرن: پدیده‌ای از نوعی دیگر (بررسی و نقد مجموعه آثار مصطفی مستور)»، جهان کتاب، شماره ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۱، شهریور، صص ۱۶-۲۱.

پاملو، ویلیامسی (۱۳۹۵). سینمای اگزستانسیالیستی، ترجمه نصراله مرادیانی، تهران: بیدگل.  
هدایت، صادق (۱۳۷۲). بوف کور، چاپ جدید، تهران: سیمرغ.

## References

- Ahmadi, Babak (2002). *Structure and Interpretation of the Text*, Fifth Edition, Tehran: Nashreh Markaz. [in Persian]
- Ahmadi, Seyyed Roqyyah, Shamli, Nasrollah and Hassanalian, Somayyeh (2019). "A Study of the Phenomenon of Quranic Intertextuality in the Poems of Ali ibn Isa Arbeli", *Bi-Quarterly Journal of Quranic Linguistic Research*, Year 8, Issue 2 (16 Consecutive), Fall and Winter, pp. 163-174. [in Persian]
- Akbari Sheldareh, Fereydoun (2005). "Review: Looking at the Moon: A Report on the Novel " Kiss the Lovely Face of God" by Mostafa Mastour", *Fiction Literature*, No. 98 and 99, February and March, pp. 46-51. [in Persian]
- Alavi, Bozorg (1998). *Gileh Mard*. First edition, Tehran: Negah. [in Persian]
- Albuqobaish, Abdullah (2016). "Intertextuality and Postmodern Ontology in the Short Story "Mirza Yunes" by Sirus Shamisa", *Literary Review*, Year 9, Issue 34, Summer, pp. 33-62. [in Persian]
- Amankhani, Isa (2016). "Criticism of theorizing: Incorrect application of theories with emphasis on articles related to Bakhtin's views", *Persian Language and Literature Research*, No. 40, Spring, pp. 155-185. [in Persian]
- Antonioni, Michelangelo ( Film Director and Screenwriter) (1966), *Blow-up*, [film]. 111 Minutes. USA: Metro Goldwyn Mayer.
- Aslanpour, Samira (2002). "I am one of those people" (the life and works of Ahmad Mahmoud on the occasion of his death) Samira Aslanpour's conversation with Mostafa Mastour", *Fiction*, No. 63, December, pp. 18-21. [in Persian]
- Azim Dokht, Zoleikha (2016). "Intertextuality in the novel Dr. Noon Loves His Wife More Than Mossadegh: A Discourse-Doctrine Analysis", *Language Exploration*, Spring and Summer, No. 2, pp. 57-79. [in Persian]
- Azimi Yancheshmeh, Elaheh and Mirbagherifard, Ali Asghar (2017). "Intertextuality as a Method and Insight into the History of Modern Literary Writing", *Modern Literary Essays*, No. 196, Spring, pp. 1-22. [in Persian]
- Bahrani, Ashkan and Sadat Sharifi, Seyyed Farshid (2008) "A Stylistic Study of Mostafa Mastour's Fictional Works", quoted from the book *Travel in the Mirror (Criticism and Review of Contemporary Literature)*, Abbasali Vafaei, first edition 2008, Tehran: Sokhan. [in Persian]
- Baqeri, Bahadour (2016). ("The Sacred Face of Woman and Love in the Stories of Mostafa Mastour", *Journal of Literary Criticism and Rhetoric*, Year 5, Issue 1, Spring and Summer, pp. 73-90. [in Persian]
- Chevalier, Jean and Gerberan, Alain (2000). *The Culture of Symbols*, translated and researched by Soudabeh Fazaili, 5 volumes, first edition, Tehran: Jeyhoun. [in Persian]
- Cortazar, Julio (2018). *Agrandism and Other Stories*, translated by Omid Nik Farjam, third edition, Tehran: Cheshme. [in Persian]
- Dadvar, Elmira (2011). "The Story of Dash Akol: A Response to Intertextuality and the Horizon of Expectation", *Comparative Literature*, No. 1 and 2 (3 in a row), Spring, pp. 9-22. [in Persian]
- Ebrahimzadeh, Fatemeh (2010). "Representation of Religion and the Religious Figure in Modern Persian Novels (Case Analysis of Mostafa Mastour's Novels)", Master's Thesis. Faculty of Social and Economic Sciences, Al-Zahra University. [in Persian]
- Farahzad, Farzaneh (2004). "Intertextuality in Translation", *Allameh Tabatabaei University Proceedings*, No. 186, pp. 243-248. [in Persian]
- Ghobadi, Hossein Ali, Karami, Musa, Nikobakkht, Naser, and Gholamhosseinzadeh Gholamhossein (2012). "Analysis of the Relationship Between the Themes of Simin Daneshvar's Fictional Works and Iran's Cultural Background", *Literary Textual Studies*, No. 54, Winter, pp. 123-146. [in Persian]

- Giddens, Anthony (1998). *Sociology*. Fourth edition, Tehran: Ney Publishing.
- Graham, Alan (2018). *Intertextuality*. Sixth edition, second edition, Tehran: Markaz Publishing House. [in Persian]
- Hajati Jolandan, Somayyeh (2010). "Nonverbal Communication in the Fictional Works of Mostafa Mastour", Master's Thesis. Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan. [in Persian]
- Haji-Agha Babaei, Mohammad Reza and Bastan, Mina (2019). "A Study of Existential Concerns in Mostafa Mastour's Stories (Research Body: Stories Kiss the Lovely Face of God, Pig Bone and Leper Hands, and I Am Not a Sparrow), *New Literary Essays*, No. 4 (207th Consecutive), Winter, pp. 1-18. [in Persian]
- Haq-Sheno, Farkhondeh (2008). "Summary and review of the novel Kiss the Lovely Face of God by Mostafa Mastour in search of discovering the meaning of existence," *Keyhan Newspaper*, Archive, Saturday, July 19, 2008, No. 19136. [in Persian]
- Hassanpour, Arash and Motllebi, Effat (2010). "Analysis of the narrative of the novel "Kiss the Moon of God" with an emphasis on the issue of meaning", *Cultural Studies and Communication*, No. 21, Winter, pp. 145-166. [in Persian]
- Hassanzadeh Mirali, Abdollah and Poursalimi, Saeideh (2019). "A Study of Existentialist Tendencies in the Story "Kiss the Lovely Face of God", *Rukhsar Zaban*, No. 8, Spring, pp. 40-56. [in Persian]
- Hassanzadeh Mirali, Abdollah, Damavandi, Mojtaba and Zamani, Fatemeh (2016). "Intertextual Relations between the Novel "Keykhosro" and the Story "Kingdom of Keykhosro" in *Shahnameh*", *Literary Criticism and Stylistics Research*, Volume 7, No. 23, Spring, pp. 61-87. [in Persian]
- Hassanzadeh Nayyeri, Mohammad Hassan and Eslami, Azadeh (2016). "Investigation and comparison of the way of expressing mystical elements in the novels Farani and Zoi and Kiss the Lovely Face of God", *Quarterly Journal of Literary Theory and Genre Studies*, Year 1, Issue 3, Summer, pp. 101-122. [in Persian]
- Hedayat, Sadegh (1993). *Boof-e koor*, new edition, Tehran: Simorgh.
- Khajeh-im, Ahmad, Alavi Moghaddam, Seyyed Mohammad, Mohammadian, Abbas, and Rajabi, Moslem (2016). "Intertextuality of the Quran and Hadith in the Educational Poems of Hafez Shirazi Based on the Theories of Literary Critics", *Journal of Educational Literature*, No. 32, Winter, pp. 29-68. [in Persian]
- Liaghi Motlagh, Nafiseh (2009). "Analysis of Mostafa Mastour's Stories", Master's thesis. Faculty of Literature and Humanities, Allameh Tabataba'i University, Tehran. [in Persian]
- Makarik, Irna Rima (2014). *Encyclopedia of Contemporary Literary Theories*. Translated by Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi. Fifth edition, Tehran: Aghah. [in Persian]
- Mastour, Mustafa (2000). *Kiss the Lovely Face of God*. Seventy-seventh edition. Tehran: Markaz Publishing House. [in Persian]
- \_\_\_\_\_ (2003). "Report: Remnants of God's Love," *Mehr Magazine*, August 8, 2003, No. 10, pp. 12-13. [in Persian]
- \_\_\_\_\_ (2006). "In the longing for that great soul (on the occasion of the anniversary of Shariati's passing)", *Sharq Newspaper*, Tuesday, June 20, 2006, No. 788. [in Persian]
- \_\_\_\_\_ (2006). "Literature does not answer our big questions", *Aftab Yazd newspaper*, Saturday, June 10, 2006, issue 1811. [in Persian]
- \_\_\_\_\_ (2008). "Mastur: I have outgrown my readers", *Jam Jam Newspaper*, Sunday, January 12, 2008, No. 2472. [in Persian]
- \_\_\_\_\_ (2010). "The Monster of Difference", *Hamshahri's Journal*, No. 58, Mehr, pp. 30-35. [in Persian]
- \_\_\_\_\_ (2018). "I have never been and am not a valuable and committed writer," *Donyaye Eqtesad Newspaper*, Saturday, January 12, 2018, No. 4520. [in Persian]
- \_\_\_\_\_ (2019). "Words Don't Be Disturbing", *Iran Newspaper*, Year 25, Thursday, November 10, No. 7209. December, No. 7210. [in Persian]

- \_\_\_\_\_ (2019). *Under Dim Light (Complete Collection of Short Stories 1992-2016)*, Fifth Edition, Tehran: Cheshme. [in Persian]
- Molla Ebrahimi, Ezzat and Rahimi, Soghara (2017). "Investigating Mythological Intertextual Relations in the Poems of Jabra Ibrahim Jabra (Based on the Myth of Tamuz)", *Journal of Arabic Literature Criticism*, No. 14, Spring and Summer, pp. 183-212. [in Persian]
- Mortezaei Fard, Zeinab (2011). "The Hidden Narrative" (Report from the "Tehran in the Afternoon" Review Meeting), *Jam Jam Newspaper*, Saturday, July 24, 2011, No. 3161. [in Persian]
- Mosahab, Gholam Hossein (2004). *Persian Encyclopedia*, 3 volumes, 4th edition, Tehran: Amir Kabir. [in Persian]
- Naeimi, Zari (2006). "Modern Religious Fiction: A Phenomenon of a Different Kind (Review and Criticism of the Works of Mostafa Mastour)", *Jahan Ketab*, No. 209, 210, and 211, *Shahrivar*, pp. 16-21. [in Persian]
- Namvar Motlagh, Bahman (2007 A). "Transtextuality, the study of the relationships between one text and other texts", *Journal of Humanities (Special Issue on Linguistics)*, No. 56, Winter, pp. 83-98. [in Persian]
- \_\_\_\_\_ (2007 B). "Study of Intratextual References in the Mathnavi with an Intertextual Approach," *Journal of Humanities*, No. 54, Summer, pp. 429-442. [in Persian]
- \_\_\_\_\_ (2009). "From Intertextual Analysis to Interdiscourse Analysis", *Research Journal of the Academy of Arts*, No. 12, Spring, pp. 73-94. [in Persian]
- \_\_\_\_\_ (2015). *An Introduction to Intertextuality*, Second Edition, Tehran: Sokhan. [in Persian]
- \_\_\_\_\_ (2016). *Intertextuality (from structuralism to postmodernism)*. First edition 2016, Tehran: Sokhan. [in Persian]
- Omidi Sarvar, Hamidreza. (2014). "Hamidreza Omidi Sarvar's Conversation with Mostafa Mastour", *Madd and Meh electronic magazine*, Saturday, March 16, 2014. <http://www.madomeh.com/site/news/news/1972.htm>
- Oxford Advanced Learner's Dictionary (2015), Ninth Edition, China. [in Persian]
- Qeysari, Ali (1994/1994). "Criticism of Ideological Literature", *Iran-Nameh*, 12th year, No. 2 (46th issue), Spring, pp. 233-258. [in Persian]
- Rafai, Parisa (2014). "A Brief Look at Intertextuality in Shahnameh/A Place in Language", *Cinema and Literature*, No. 43, December and January, pp. 162-165. [in Persian]
- Rafizadeh, Sarvar (2016). "The Representation of Intertextual Relations in Kamal Khojandi's Poetry", *Pazh*, Autumn and Winter, No. 23 and 24, pp. 170-186. [in Persian]
- Ranjbar, Kourosh (2007). "A Conversation with Mostafa Mastour, a Storyteller, About the Narration 4 Program: Literature on Television is Strange," *Etemad Newspaper*, September 1, 2007, No. 1474. [in Persian]
- Refahi, Somayyeh (2007). "I was born in -0- (Interview with Somayeh Refahi and Mostafa Mastour)", *Azma Magazine*, No. 52, August, pp. 12-15. [in Persian]
- Rezaei Dasht-e Arjaneh, Mahmoud and Bijanzadeh, Mohammad (2016). "Criticism and study of the story "The King of the Jews Who Killed Christians for Prejudice" from Rumi's Masnavi based on an intertextual approach", *Literary Textual Studies*, Vol. 68, Summer, pp. 167-189. [in Persian]
- Rozatian, Seyyed Maryam and Mirbagerifard, Seyyed Ali Asghar (2011). "Intertextual Reading, Better Understanding of Mystical Texts", *Kavash-Nameh of Persian Language and Literature*, Autumn and Winter, No. 23, pp. 89-112. [in Persian]
- Saadat, Esmaeil (2005). *Encyclopedia of Persian Language and Literature*, Volume 1, First Edition, Tehran: Persian Language and Literature Academy. [in Persian]
- Sadat Sharifi, Farshid (2013). *Sa'I bar adare Andouh (Speeches on the Fictional Works of Mostafa Mastour)*, First Edition, Tehran: Be Negar. [in Persian]

- Salimi Kouchi, Ebrahim (2011). "Correspondence of characterization and similarity of theme and plot in Kiss the Lovely Face of God and Jean Barois (Comparative Study)", *Comparative Language and Literature Research*, Volume 2, No. 3, Autumn, pp. 127-146. [in Persian]
- Sarshar, Mohammad Reza, Soleimani, Belgheis, and Zanoouzi Jalali Firouz (2018). "Roundtable Criticism of the Long Story " Kiss the Lovely Face of God " by Mostafa Mastour, pp. 127-158. Quoted from the book "Roundtable Criticism of Fiction Literature", Mohammad Reza Sarshar, 2 volumes, published 2018, Qom: Ma'refet Library. [in Persian]
- Sasani, Farhad (2004). "Background of Intertextual Criticism", *Binab (Sureh- ye Mehr)*, No. 5 and 6, pp. 172-185. [in Persian]
- \_\_\_\_\_ (2005). "The Effect of Intertextual Relations on Text Reading", *Journal of Language and Linguistics*, Fall and Winter, No. 2, pp. 39-56. [in Persian]
- Sepehri, Sohrab (1990). *Hasht Ketab*, twenty-fourth edition, Tehran: Tahouri.
- Shafiei Kadkani, Mohammad Reza (2018) In *Kimiyaye Hasti*. 3 volumes. Second edition. Tehran: Sokhan. [in Persian]
- Shakeri, Ahmad (2002). "The God Who Is Near (Kiss the Lovely Face of God, Written by Mustafa Mastour)", *Fiction Literature*, No. 64 and 65, January and February, pp. 59-62. [in Persian]
- Shakeri, Ahmadi (2006). "Conversation: Reason is not capable of solving all problems" {Interview with Mostafa Mastour}. *Fiction Literature*, No. 101, Tir, pp. 42-53. [in Persian]
- Shams Langeroodi (Mohammad Taqi Javaheri Gilani) (1999). *Analytical History of Modern Poetry*, 4 volumes, second edition, Tehran: Markaz Publishing House. [in Persian]
- Sharifi Voldani, Gholamhossein and Miri Asl, koulsoum (2012). "Kiss the Lovely Face of God (A Study of Dual Contrasts in the Novel Kiss God on the Moon)", *Bostan Adab*, Year 4, Summer, Issue 2 (12 Consecutive), pp. 129-150. [in Persian]
- Sokhanvar, Jalal and Sabziyan Moradabadi, Saeed (2008). "Intertextuality in Peter Ackroyd's Novels", *Journal of Humanities*, Vol. 58, Summer, pp. 65-78. [in Persian]
- Tayyebi, Fariba (2008). "Love for Love; Without Verse, Without Verse (A Study of the Concept of Love in the Stories of Mostafa Mastour)", *Literature Month Book*, No. 126, April, pp. 45-52. [in Persian]
- William C., Pamerlo (2016). *Existentialist Cinema*. Translated by Nasrollah Moradiani, Tehran: Bidgol. [in Persian]
- Zamani, Fatemeh and Taslimi, Ali (2018). "Analysis of the Intertextual Connection with the Postmodern Narrative of the Novel "Sug-e-Moghan", *Literary Text Research*, Year 22, Issue 87, Winter, pp. 7-30. [in Persian]
- Zarrin-Kelk, Nouredin (1998). *The Story of the Silkworm*. Seventh edition, Tehran: Center for Intellectual Development of Children and Adolescents. [in Persian]

